



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

ادرسه دانسه



دکتر ناصر دانشی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ارزش دانش

نویسنده:

نادر فضلی

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی نبا

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	ارزش دانش
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۱۰	سـرآغـاز
۱۴	درس اول : بهترین دل ها
۲۳	درس دوم : گروههای مردم
۳۲	درس سوم : دانش و دارایی
۴۰	درس چهارم : ثمره ی دانش
۴۷	درس پنجم : حیات جاودانه
۵۴	درس ششم : غربت دانش
۶۰	درس هفتم : مرگ دانش
۶۷	بخش چهارم : حجت پایدار
۶۷	درس ششم :
۷۷	درس هفت_م :
۸۳	درس هشت_م :
۸۷	بخش پنجم : ویژگیهای حجت خدا
۸۷	درس نه_م :
۹۱	درس ده_م :
۹۸	درباره مرکز

سرشناسه: فضلی، نادر، - ۱۳۳۲

عنوان و نام پدیدآور: ارزش دانش / نادر فضلی

مشخصات نشر: تهران: نبا، ۱۳۸۱.

مشخصات ظاهری: ص ۷۲

فروست: (راه روشن. درسهایی از نهج البلاغه ۱)

شابک: ۹۶۴-۶۶۴۳-۸۶-۱۳۵۰۰-۸۶-۹۶۴؛ ۹۶۴-۶۶۴۳-۸۶-۱۳۵۰۰-۸۶-۹۶۴

وضعیت فهرست نویسی: فهرستنویسی قبلی

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس

موضوع: علی بن ابی طالب(ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق. -- نظریه درباره دانش و دانش اندوزی

موضوع: علی بن ابی طالب(ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق. -- نهج البلاغه -- علوم

شناسه افزوده: علی بن ابی طالب(ع)، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق. نهج البلاغه. برگزیده

رده بندی کنگره: BP۳۸/۰۹/د۲ف ۶

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۱۵

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۱-۴۱۷۰۶

ص: ۱

(۱)

ارزش دان_ش

دکت_ر نادر فضل_ی

ص: ۲

راه روشن

درس‌هایی از نهج البلاغه

(۱)

ارزش دانش

مؤلف : دکتړ نادر فضلی / حروفچینی : انتشارات نبأ / لیتوگرافی : نبأ

اسکرین چاپ و صحافی : رامی_ن / چاپ اول : ۱۳۸۱

شمارگ_ان : ۵۰۰۰ نسخه / قیمت : ۳۵۰۰ ریال / ک_د : ۱۴۷ / ۷۷_ه

ناش_ر : انتشارات نبأ / ته_ران ، کارگر شمالی ، کوچه هما، پلاک ۶

تلف_ن : ۸_ ۶۴۲۱۱۰۷_ فاکس : ۶۹۴۴۶۱۵

شابک : ۸_ ۱۶_ ۶۶۴۳_ ۹۶۴_ ۸_ ۱۶_ ۶۶۴۳_ ۹۶۴_ ISBN:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

س-ر-آغ-از

« نهج البلاغه » کتاب زندگی است ؛ کتاب اخلاق است ؛ کتاب انسان ساز است ؛ کتاب دین است ؛ کتاب اعتقادات است ؛ کتاب تاریخ است ؛ دنیایی است شگفت انگیز که در یک کتاب فراهم آمده است !

به راستی پاسخ بسیاری از پرسش ها در این کتاب شریف آمده است . رهنمودهای عملی آن ، بسیاری از نیازهای فکری و روحی را در زندگی انسان ها برآورده می سازد .

به « نهج البلاغه » لقب جالبی داده اند : « برادر قرآن ! » عجب لقب شایسته و سزاواری !

همان گونه که « قرآن » راهنمای زندگی در دنیا و راهبر آدمی به راه سعادت در آخرت است ، تعالیم « نهج البلاغه » نیز ضامن رستگاری در دنیا و آخرت است .

همان گونه که « قرآن » بیانگر همه ی نیازهای بشر تا دامنه ی قیامت است ، « نهج البلاغه » نیز تعالیم جاودانه ای دارد که پاسخ گوی نیازهای آدمیان است .

همان گونه که « قرآن » در میان ما مسلمانان غریب

و مهجور و دورافتاده است ، « برادر قرآن » از او هم غریب تر و مهجورتر است .

همان گونه که ضرورت دارد تا هرچه بیشتر با «قرآن» و آموزه های آن آشنا شویم ، لازم و به جا است تا با «نهج البلاغه» نیز آشنا شویم و تعالیم الهی و آسمانی آن را به کار بیندیم .

اینک می خواهیم گام به گام پیش برویم و آرام آرام با « نهج البلاغه » آشنا تر و مأنوس تر شویم . می خواهیم کوتاهی هایمان را جبران کنیم ؛ می خواهیم حرف و سخن را کناری نهیم و پای در میدان عمل بگذاریم . می خواهیم در برنامه ی « راه روشن » ، « نهج البلاغه » بیاموزیم . می خواهیم در فرصت هایی کوتاه ، با بخش هایی برگزیده از این کتاب شگفت انگیز آشنا شویم و آموزه های آینده ساز و آخرت پرداز آن را در زندگی فردی و روابط اجتماعی به کار گیریم .

شما را به هم راهی و هم گامی در این مسیر مقدس فرامی خوانیم .

گام هایتان در پیمودن راه « علی » علیه السلام همواره استوار باد !

« ارزش دان_ش »

این موضوع را به عنوان نخستین مبحث برگزیده ایم . چنین کرده ایم تا بگوییم والاترین هدف را در آموختن «نهج البلاغه» ، « دانایی » می دانیم .

« ارزش دانش » را در هفت درس تدوین کرده ایم. نکات ارزنده ای را در این دروس با این عناوین می آموزیم :

* بهترین دل ها

* گروههای مختلف مردم

* دانش و دارایی

* ثمره ی دانش

* حیات جاودانه

* غربت دانش

* مرگ دانش

مباحث مذکور برگرفته از سخنانی ماندگار است که حضرت علی علیه السلام خطاب به یکی از یاران خویش فرموده است . این سخنان در بخش « حکمت های نهج البلاغه » آمده است . گفتنی است که بخش پایانی آن

بیانات را جداگانه در کتابی دیگر تقدیم شما خواهیم کرد .

روش ما در این کتاب چنین است :

— ابتدا متن عربی را در هر درس نقل می کنیم

— سپس واژه هایی را که در درس آمده ، توضیح می دهیم

— آن گاه به ترجمه ی درس می پردازیم

— و در پایان شرحی کوتاه درباره ی درس بیان می کنیم

شما باید بتوانید :

۱ _ متن عربی را سلیس و روان بخوانید .

۲ _ معنای واژه ها را خوب به خاطر بسپارید .

۳ _ با توجه به معنای واژه ها ، ترجمه را خوب بفهمید .

۴ _ شرح کوتاهی از متن ارائه دهید .

۵ _ در پایان به پرسش های مربوط به درس جواب دهید .

درس اول : بهترین دل ها

اینک عبارات عربی بخش نخست :

« قَالَ كَمِيلُ بْنُ زِيَادٍ :

أَخَذَ يَدِي أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَخْرَجَنِي إِلَى الْجَبَانِ فَلَمَّا أَصَيْحَرَ تَنَفَّسَ الصَّيْدَاءُ . ثُمَّ قَالَ : يَا كَمِيلَ بْنَ زِيَادٍ ، إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ أَوْعِيَهُ ، فَخَيْرُهَا أَوْعَاهَا . فَاحْفَظْ عَنِّي مَا أَقُولُ لَكَ .»

چنانچه گفتیم ، نخست باید بتوانید عبارت بالا را به خوبی بخوانید. برای این کار هر سطر را جداگانه چند مرتبه تکرار کنید تا مطمئن شوید که می توانید عبارت را روان بخوانید .

توجه داشته باشید عبارتهای نهج البلاغه دشوارتر از آیات قرآن است . بنابراین اگر بتوانید عبارتهای نهج البلاغه را خوب بخوانید ، موفقیت خوبی در آموزش قرآن نیز به دست آورده اید .

اینک به معنای واژه ها توجه کنید. بار دیگر تذکر می دهیم که نهج البلاغه یک کتاب ادبی در زبان عربی است . بنابراین واژه های ادبی نسبتا دشواری در آن

آمده است. از سویی دیگر، عمق معانی و زیبایی کلام، در دل همین واژه‌ها نهفته است و برای دستیابی به ژرفای نهج البلاغه دانستن معنای لغات ضروری است. ما می‌کوشیم معنای واژه‌ها را به وسیله‌ی لغات هم‌خانواده که در فارسی کاربرد دارد، به ذهن شما نزدیکتر کنیم. به هر حال، دوباره از شما درخواست می‌کنیم معنای لغات را خوب به خاطر بسپارید.

أَخَذَ: گرفت. کلمه «مؤاخذه» به معنای بازخواست، و نیز «اتخاذ» به معنای گرفتن، از هم‌خانواده‌های این کلمه است که در فارسی کاربرد دارد.

أَخْرَجَ: مـ ر ا بـ ی ـ ر و ن بـ ر د. واژه‌ای است که هم‌خانواده‌های آن در فارسی کاربرد فراوان دارد. خارج، خروج، اخراج، مخارج و... از آن جمله است.

جَيَّانَ وَجَيَّانَهُ: صحرا، بیابان. به گورستان هم گفته می‌شود، چون نوعاً گورستان در بیرون شهر قرار دارد. تَنَفَّسَ: آه عمیق کشید. از همان نفس کشیدن می‌آید. «تَنَفَّسَ» یعنی نفس عمیق کشیدن.

صُعَيْدًا: همان معنای آه کشیدن است، همراه با غم و اندوه و رنج و ناراحتی. بنابراین «تَنَفَّسَ الصُّعَدَاءُ» یعنی آهی عمیق و غمبار کشید.

أَوْعِيَهُ جَمْعٌ وَعَاءٌ: ظرف. اصل این لغت از کلمه‌ی «وَعَى» است به معنای در بر گرفتن، نگاه

داشتن در دل ، فهمیدن از درون . ظرف نیز چون چیزی را دربرمی گیرد ، وعاء نام دارد .

أوعى : با توضیح مذکور یعنی در برگیرنده تر ، نگاه دارنده تر .

فَأَحْفَظُ : پس به خاطر بسپار ، حفظ کن ، نگاه دار . هم خانواده های این لغت را خوب می شناسید : حافظ ، حفاظت ، محافظت ، محافظ و...

اینک به ترجمه عبارت توجه کنید :

کمیل بن زیاد گفت :

یک بار علی بن ابی طالب علیه السلام دست مرا گرفت و مرا به بیابان برد . چون از شهر خارج شدیم ، آهی غمبار کشید و چنین فرمود :

ای کمیل بن زیاد ! این دلها به ظرفهایی می مانند که بهترین آنها [دلی است] که نگاه دارنده تر باشد . بنابراین آنچه به تو می گویم [خوب] به خاطر بسپار .

شرح عبارت را نیز بخوانید :

۱ _ تاریخ این سخنان به درستی معلوم نیست . اما بی تردید در دورانی بوده که آن حضرت ، به دلیل آن که خلافتش را غصب کرده بودند ، خانه نشین شده بود .

حضرت علی علیه السلام در یکی از سخنانش وضعیت اجتماع در دوران جاهلیت را به خوبی ترسیم می کند، یعنی روزگار پیش از اسلام که اعراب در بت پرستی و جهل و نادانی کامل به سر می بردند. حضرتش در قسمتی از سخنان خود، در وصف آن روزگار می فرماید:

«عَالِمُهَا مُلْجَمٌ ، جَاهِلُهَا مُكْرَمٌ»

در آن زمان بر دهان دانشمندان لجام و دهن بند زده بودند، ولی نادانان و جاهلان را گرامی می داشتند و بزرگ می شمردند [\(۱\)](#).

بزرگترین مصیبت در یک جامعه، همین است که دانشمندان و دانایان را منکوب و سرکوب کنند، ولی نادانان را گرامی بدارند. این ویژگی در دوران ۲۵ ساله ی خانه نشینی حضرت علی علیه السلام کاملاً حاکم بود. یعنی به آن حضرت میدان نمی دادند تا مثلاً منبر برود و سخنرانی های عمومی داشته باشد و مردم را ارشاد کند، یا در مجالس درس و بحث عمومی، علناً شاگرد تربیت کند. اگر چنین اجازه ای به آن جناب می دادند، برتری های علمی آن حضرت آشکارتر و فراگیرتر می گشت و مردم پیرو او می شدند. از این رو به آن جناب فرصت داده نمی شد تا مردم از دانش

بیکران او بهره ببرند . اما آن حضرت در آن روزگار سخت و شرایط دشوار ، از تربیت شاگردان غافل نبود . عده ای را که زمینه ی پذیرش و آمادگی فهم مطالب آن حضرت را داشتند بیشتر از میان جوانان ، برمی گزید و ایشان را تربیت می کرد و مطالبی به آنان می آموخت .

از سخنان حضرت برمی آید که کمیل یکی از همان جوانان شایسته و خوش زمینه و مستعد بوده است . حضرت علی علیه السلام او را سزاوار آن دانسته که بطور خصوصی ، مطالبی بلند و ژرف به او بیاموزد ، که در سطور آینده می خوانید .

۲ _ حضرت علی علیه السلام از شهر خارج می شود و آه غمبار می کشد و این ، از دو نکته حکایت می کند :

یکی آنکه چنان چه گفتیم حضرت علی علیه السلام اجازه نداشته آشکارا به ترویج مطالب و تدریس دانش خویش پردازد . حاکمان آن روز طاقت شنیدن آن سخنان را نداشتند و در نتیجه بسیاری از مردم نیز آماده ی پذیرفتن آن مطالب نبودند .

دیگر آن که پیداست حضرت علی علیه السلام از اوضاع زمانه خشنود نیست و دلش پر درد است . علت این ناراحتی و ناخرسندی در بخش نخستین و نیز بخش پایانی همین سخنان آشکار خواهد شد . جهل و نادانی و دنیادوستی و شهوت و شکم پرستی که در میان

عموم مردم فراگیر گشته بود، علت اصلی ناراحتی آن جناب بود که در آن باره با بهره گیری از بیانات خود حضرت بیشتر گفتگو خواهیم کرد .

۳_ در مقدمه ی سخن ، حضرت علی علیه السلام دلها را به ظرف تشبیه فرموده است . این تشبیه از دو منظر قابل بررسی است :

الف : برخی دلها مانند بعضی ظرفها ، کوچک ، کم ظرفیت و کم حجم اند ، به اندازه ی یک انگشتانه هم گنجایش ندارند . اما برخی دلها ، پر حجم و پر گنجایش هستند : مثل دریا .

دلهای گروه اول ، شایستگی آن را ندارند که مطالب مهم و عمیق و حجیمی را در خود جای دهند . خیلی از مطالب را اصلاً نمی توانند در خود جای دهند.

تصور کنید ، مثل آن می ماند که استکان کوچکی را زیر شیر آب بگیریم ، که آب با شدت و حجم زیاد از آن جاری است . این استکان کوچک به وسیله ی آن شیر آب پر حجم هرگز پر نخواهد شد . زیرا اصلاً تحمل آن حجم از ریزش آب را ندارد . شیر آب جاری است ، اما استکان پر نمی شود، چون حجم و شدت ریزش آب زیاد است . چنین استکانی باید با جریان ضعیفی از آب پر شود. تازه وقتی هم پر شود گنجایش یک استکان را دارد . اما اگر ظرف بزرگی را بخواهید به وسیله ی همان شیر پر کنید ، میسر است . آری برخی دلها

همانند دریا، گنجایش زیاد دارند، هر چه بگویی می گیرند و در خود جای می دهند و حفظ می کنند و به یاد و خاطر می سپارند.

ب: بعضی دلها به آبکش می مانند، سوراخ هستند، هر چه آب در آن بریزی فوراً از آن بیرون می ریزد. آبکش برای مدت کوتاهی هم نمی تواند آب را در خود نگه دارد. مثل آدمی که یک گوشش «در» است و گوش دیگرش «دروازه». هر مطلبی را که از یک گوش می گیرد، از گوش دیگر خارج می شود. هرگز مطلبی در دل و خاطرش جای نمی گیرد. ظرف وجودش سوراخ سوراخ است. فکر و فهمش مثل آبکش است که آب را دربر نمی گیرد. اما دل‌های دیگری هستند که مطالب را به خوبی فرا می گیرند و در خود نگاه می دارند.

هر یک از این دو تعبیر را که بپذیریم درست است. یعنی دل‌های پر گنجایش و نیز دل‌های نگاه دارنده، بهترین دل‌ها هستند. چون ظرفیت آنها بیشتر است، یا مطالب را بهتر در خود حفظ می کنند.

۴_ پس از این مقدمه، گویا حضرت علی علیه السلام اشاره می کند که دل کمیل از همان دل‌هاست. چون در ادامه می فرماید:

« فَأَحْفَظُ عَنِّي مَا أَقُولُ لَكَ »

پس اینک آنچه به تو می گویم به خاطر بسپار.

دعای معروف کمیل ، یکی از همان دعاهاى ژرف و عمیق است که آن حضرت به کمیل بن زیاد آموخته که به نام خود او به « دعای کمیل » معروف شده است .

و این جناب کمیل ، کسی است که بعدها در روزگار پیری ، به جـرم شیعه ی علی علیه السلام بودن، به دست حجاج بن یوسف ثقفی _ که دشمنی عمیقی با حضرت علی علیه السلام و شیعیان او داشت _ به شهادت رسید .

خلاصه ی درس یکم :

حضرت علی علیه السلام در دوران خانه نشینی اش ، در روزگاری که بر دهان دانشمندان لجام زده بودند ولی نادانان را گرامی می داشتند ، کمیل را به بیرون شهر می برد و با دلی پر درد با او سخن می گوید .

_ آن حضرت دل ها را به ظرف تشبیه می کند و بهترین دل را دلی می داند که بتواند مطالب را در خود جای دهد و نگاه دارد .

_ حضرت علی علیه السلام دل کمیل را از آن دلهایی می داند که لیاقت دریافت دانش دین را دارند.

اینک به این پرسش ها پاسخ دهید :

۱ _ «تَنْفَسَ الصُّعْدَاءُ» یعنی چه ؟

۲ _ علت آه غمبار حضرت علی چه بود ؟

۳ _ أوعیه یعنی چه ؟

۴_ بهترین دل چگونه دلی است؟

۵_ از کجا دانسته می شود که دل کامل از بهترین دل هاست؟

درس دوم: گروههای مردم

نخست متن درس را به همان شیوه ی پیشین با چند بار خواندن و مرور می آموزیم:

« النَّاسُ ثَلَاثَةٌ :

فَعَالِمٌ رَبَّانِيٌّ ،

وَمُتَعَلِّمٌ عَلَى سَبِيلِ نَجَاهٍ،

وَهَمَّجٌ رَعَاعٌ :

أَتْبَاعُ كُلِّ نَاعِقٍ ،

يَمِيلُونَ مَعَ كُلِّ رِيحٍ ،

لَمْ يَسْتَضِيئُوا بِنُورِ الْعِلْمِ ،

وَلَمْ يَلْجَأُوا إِلَى رُكْنٍ وَثِيقٍ »

سپس معنای واژه ها را می آموزیم:

عَالِمٌ رَبَّانِيٌّ : دانشمندی الهی که در دین استوار و پایدار است .

مُتَعَلِّمٌ : دانشجو : دانش آموز ، این لغت در فارسی نیز کاربرد دارد .

سَبِيلٌ : راه

نَجَاهٌ : نجات ، رستگاری

هَمَج جمع هَمَجَه : اصل این لغت یعنی مگس ریز ، نوعی پشه ، اما به مرم پست نیز گفته می شود.

رَعَاُ النَّاس : مردم پست ، مردم بیهوده ، مردم رذل.

هَمَجُ رَعَاُ : تأکید است . یعنی مردم پست و فرومایه ای که مثل مگس و پشه هستند ، بی ارزش و چه بسا مزاحمند .

اَتَّبَاع جمع تابع : پیرو ، دنباله رو ، کلمات تبعیت و متبوع و اتباع که در فارسی کاربرد دارند، از هم خانواده های این لغت هستند .

نَاعِقُ : اصل این لغت از نعیق است ، یعنی بانگ و فریاد چوپان برای جمع کردن گوسفندان، ناعق یعنی کسی که صدا می زند ، بانگ و فریاد برمی آورد .

يَمِيلُون : میل می کنند ، این سو و آن سو می روند .

ريح : باد

لَمْ يَسْتَضِيُوا : پرتو و روشنایی نگرفته اند . مُسْتَضِيٌّ یعنی پرتو گیرنده ، از لغت ضوء به معنای نور .

لَمْ يَلْجُوا : پناه نبرده اند . ملجا یعنی پناهگاه . التجا و ملتجی از همین لغت هستند .

رُكُن : پایه ، ستون .

وَثِيق : استوار ، پابرجا . کلمات وثوق و موثق و وثيقه نیز از همین خانواده است .

ترجمه ی عبارت چنین است :

مردم سه گروهند :

گروه نخست دانشمندانی الهی اند که در دین و دانش پایدارند .

گروه دیگر دانش آموزان و دانش پژوهانی هستند که در راه نجات و رستگاری گام می زنند .

گروه سوم مردمان پست و بیهوده ی مگس گونه ی بی ارزش می باشند .

ویژگیهای گروه سوم چنین است :

الف : پیروان [چشم و گوش بسته ی] هر صدا و بانگ و آوازی هستند .

ب : به هر بادی که می وزد [بی اختیار] این سو و آن سو می روند .

ج : از نور و فروغ دانش ، پرتو و روشنایی نگرفته اند .

د : به پناهگاهی استوار و پایدار پناهنده نشده اند .

در توضیح عبارت می گوئیم :

۱ _ روشن است که هر دانشمندی ، الزاما انسان والایی نیست . چه بسا دانشمندانی که از دانش خویش ، علیه هم نوعان خود سوء استفاده می کنند و با حربه ی دانش ، هزاران انسان را به نابودی می کشانند . دانشمندانی هم هستند که با حربه ی دین ، مردم را

فریب می دهند و دنیا و آخرت آنها را نابود می سازند . متأسفانه این گونه دانشمندانِ خطرناک و شیطانی، کم نیستند. از این رو حضرت علی علیه السلام از دانشمندان الهی سخن می گوید. برخی از ویژگیهای دانشمندان الهی چنین است :

نخستین و مهمترین ویژگی دانشمندان حقیقی و الهی، ایمان به خداوند و شهادت بر یگانگی خالقِ بی همتاست . قرآن کریم در این باره می فرماید :

« شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ » (۱)

خداوند ، و فرشتگان و دانشمندانی که برای برپایی قسط و دادگری به پا خواسته اند ، همگی گواهی می دهند که پروردگاری جز خداوند یکتا نیست .

ویژگی دیگر آنان ، همان است که باز از زبان قرآن می خوانیم :

« إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ » (۲)

این فقط بندگان دانشمند هستند که از خدا می ترسند .

روشن است که دانشمند خدانشناس و خداترس ، هرگز از دانش خویش در راه گناه و نافرمانی خداوند سوء استفاده نمی کند . چنین دانشمندانی به راستی

برای بزرگداشت ، شایستگی دارند و چنین دانشمندانی اگر دین خدا به خوبی به آنها عرضه شود، بی تردید ایمان می آورند ، چنانچه قرآن در این باره می فرماید :

« وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ » (۱)

دانشمندان به روشنی می بینند [و می یابند] آنچه که بر تو نازل شده است ، هم او حق است .

یعنی : آنان به حقانیت و آسمانی بودن کتاب خدا _ قرآن _ پی می برند و به آن مؤمن می شوند . و در نتیجه نسبت به فرجام بی دینی و کفر ، بصیرت پیدا می کنند :

« قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ إِنَّ الْخِزْيَ الْيَوْمَ وَالسُّوءَ عَلَى الْكَافِرِينَ » (۲)

[روز قیامت] آنان که علمشان داده اند، می گویند: امروز خواری و خفت و بدی [عذاب] گریبان گیر کافران است .

با این بینش و بصیرت است که آنان در برابر خداوند به خاک می افتند :

« إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلأَذْقَانِ سُجَّدًا » (۳)

۱- سبأ / ۶

۲- نحل / ۲۷

۳- اسراء / ۱۰۷

آنان که پیش از نزول قرآن [و آشنایی با آن] به ایشان علم و دانش داده اند، چون آیات قرآن بر آنها خوانده شود، با صورت به خاک می افتند و سجده می کنند.

به دلیل همین ویژگی ها، خداوند درباره ی این دانشمندان دین دار می فرماید:

«يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» (۱)

خداوند، کسانی از شما را که ایمان آورده اند و نیز آن گروه که دانششان داده اند، در درجات و مراتبی بالا- می برد و بزرگ می شمارد.

به همین اختصار، در اهمیت و ارزش عالمان الهی، از بیان و زبان قرآن اکتفا می کنیم. درباره ی دسته ی دوم یعنی دانشجویان و دانش پژوهان، در آینده سخن خواهیم گفت.

اکنون کمی هم درباره ی گروه سوم سخن بگوییم:

۲- گروه سوم، متأسفانه بیشترین افراد جامعه را تشکیل می دهند. این حقیقت تلخی است که در آیات بسیاری از قرآن مجید به آن تصریح شده است. برخی

آیات را که در این زمینه نازل گشته است ، ذکر می کنیم :

بیشتر مردم نادان و جاهلند

در یازده آیه از آیات شریفه ی قرآن ، این مطلب ذکر شده است که اکثر مردم نادان هستند . جمله ای که بیانگر این نادانی اکثر مردم است ، در همه ی آیات یازده گانه ، این جمله است :

« وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ »

اما چنان است که بیشتر مردم نمی دانند .

این نادانی مردم درباره ی مهمترین مسائل زندگی آنان است که سرنوشت دنیا و آخرتشان را رقم می زند . آن موضوعات عبارتند از :

__ مسأله قیامت و حتمی بودن وقوع آن (۱)

__ قدرت خداوند (۲)

__ لطف افزون و فضل خداوند نسبت به برخی بندگان (۳)

__ زنده کردن مردگان (۴)

__ یاری و نصرت خداوند بر بندگان (۵)

__ فطری بودن توحید (۶)

۱- اعراف / ۱۷۸ ، جائیه / ۲۶

۲- یوسف / ۲۱

۳- یوسف / ۴۰ ، ۶۸

۴- نحل / ۳۸

۵- روم / ۶

۶- روم / ۳۰

— فراگیری و عمومیت دعوت پیامبر اسلام (۱)

— قدرت خداوند در تنگی و گشایش روزی بندگان (۲)

— عظمت خلقت آسمانهاوزمین در برابر آفرینش انسان (۳)

بیشتر مردم بی ایمانند

خداوند در سوره ی مبارکه ی شعرا ، خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید که کافران با وجود مشاهده ی نشانه های قدرت خداوند و علائم نبوت پیامبر، باز هم ایمان نمی آورند . سپس درباره ی این بی ایمانی مردم می فرماید :

« وَ مَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ »

بیشتر این مردم — هر چند هم که درباره ی هدایت ایشان حرص بورزی — ایمان نمی آورند .

در بخش های بعدی ، درباره ی مردم بیهوده و سفله و پست — که حضرت علی علیه السلام از آنان شکایت ها دارد — گفتگو خواهیم داشت . از این رو، در این بخش به ذکر همین دو خصوصیت اکتفا می کنیم . و در بخش مربوط ، مجددا در این زمینه سخن می گوئیم .

۱- سبأ / ۲۸

۲- سبأ / ۳۸

۳- غافر / ۵۷

خلاصه ی درس دوم

— مردم سه دسته اند :

۱ _ دانشمندان الهی

۲ _ دانشجویان راه رستگاری

۳ _ فرومایگان

— فرومایگان چهار نشانه دارند :

۱ _ پیرو و دنباله رو هر صدائی اند .

۲ _ به هر بادی این سو و آن سو می شوند .

۳ _ از نور علم پرتو و فروغ نگرفته اند .

۴ _ پایگاه و جایگاه فکری استوار ندارند .

پرسش های درس :

۱ _ عالم ربانی یعنی چه

۲ _ چهار ویژگی از علمای ربانی بنویسید :

الف : ب : ج : د :

۳ _ بیشتر مردم نسبت به چه اموری جاهلند ؟ برخی از آنها را نام ببرید .

الف : ب : ج : د :

۴ _ خداوند درباره ی بی ایمانی اکثر مردم چه می فرماید ؟

درس سوم : دانش و دارایی

حضرت علی علیه السلام پس از مقدماتی که یاد شد ، به بیان ارزش والای علم و دانش و مقایسه ی آن با دارایی می پردازد . اصولاً شیوه ی حضرت علی علیه السلام چنان است که چون مطلبی را بیان می فرماید ، اگر نیازمند دلیل باشد، دلیل آن را نیز می گوید . چنانچه در سخنانی که خواهد آمد ، در مقایسه ی میان دانش و دارایی ، ارزش دانش را بسیار بالاتر می شمرد و برای این سخن ، دلایلی نیز بیان می فرماید.

ابتدا سخنان آن حضرت را در این باب می خوانیم :

« يَا كَمِيلُ ! الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ .

الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ وَ أَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ .

وَ الْمَالُ تَنْقُصُهُ النَّفَقَةُ وَ الْعِلْمُ يَزُكُو عَلَى الْإِنْفَاقِ ،

وَ صَنِيعُ الْمَالِ يَزُولُ بِزَوَالِهِ . »

معنای واژه ها چنین است :

خَيْرٌ : بهتر ، نیکوتر

يَحْرُسُكَ : تو را حراست می کند ، تو را پاس می دارد .

تَحْرُسُ : تو حراست و پاسداری می کنی . حراست یعنی پاسداری .

تَنْقُصُهُ : از آن می کاهد . نقصان به معنای کاستی و کمی ، از همین خانواده است .

النَّفَقَةُ : هزینه کردن ، خرج کردن . نفقه در فارسی نیز کاربرد دارد .

يَزُكُو : زیاد می شود ، نمو می کند . زکات از همین خانواده است .

إِنْفَاق : خرج کردن ، بخشیدن

صَنِعُ : در اینجا به معنی مصنوع یعنی ساخته شده، پدید آمده .

يُزُولُ : زوال می یابد، نابود می شود .

ترجمه ی عبارت چنین است :

ای کمیل [بی تردید] دانش بهت را از دارایی است . [زیرا] دانش پیوسته تو را پاس می دارد ، ولی تو همیشه باید از دارایی خویش نگاهبانی کنی .

(از سوی دیگر) هزینه کردن از دارایی می کاهد ، اما دانش به وسیله ی نشر و رواج آن ، رشد و نمو می یابد . [به علاوه] هر آنچه که با دارایی پدید آمده باشد ، با نابودی آن از میان می رود .

برای توضیح بیشتر این کلام ، به چند نکته توجه می کنیم :

۱_ خداوند در سوره ی مبارکه ی فاطر ، مطلبی مهم

و در عین حال روشن را تذکر می دهد :

«... وَ مَنْ تَزَكَّى فَإِنَّمَا يَتَزَكَّى لِنَفْسِهِ وَ إِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ»

هر کس به تزکیه و پاکسازی درون خویش بپردازد . به راستی که به نفع خویش عمل کرده است و البته بازگشت [همه] به سوی خداست . (۱)

این مطلب ، گاهی از شدت روشنی و وضوح ، پنهان می ماند . مگر جز این است که پیشه کردن پاکی و راستی موجب سعادت انسان می گردد ؟ با این همه ، در آیات دیگر ، خداوند با مثالهای بسیار روشن بر درستی این سخن تأکید می ورزد :

«وَ مَا يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَ الْبَصِيرُ . وَ لَا الظُّلُمَاتُ وَ لَا النُّورُ .

وَ لَا الظُّلُّ وَ لَا الْحُرُورُ وَ مَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَ لَا الْأَمْوَاتُ»

نه کور با بینا برابر است ، نه ظلمت با نور .

نه سایه با آفتاب ، و نه زندگان با مردگان (۲)

خداوند ، در سخنی دیگر خطاب به پیامبر می فرماید :

« قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»

به این مردم بگو : آیا آنان که می دانند با آنان که نمی دانند ، برابرند ؟ (۳)

۱- فاطر / ۱۸

۲- فاطر / ۱۹ تا ۲۲ .

۳- زمر / ۹

پاسخ این پرسش ، روشن و اصولاً قیاس غلط است . یعنی تردیدی در این امر نیست . اما متأسفانه بعضی بی خردان ، مطلبی به این روشنی را هم درک نمی کنند .

۲- بی تردید ، ارزش دانش و دانایی با ثروت و دارایی قابل قیاس نیست . اما در جوامعی که همه ی ارزشها وارونه می شوند ، مطلبی به این وضوح ، پنهان و پوشیده می ماند . در نتیجه ، دانش بـی ارزش می شود و دانشمندان بی ارج و بی مقدار می گردند ؛ در برابر ، مالداران مقام و منزلت می یابند . در هر جامعه ای که چنین مصیبتی رخ دهد، آغاز انحطاط آن جامعه را باید نظاره گر بود.

به هر روی ، حضرت علی علیه السلام بر این نکته ی مهم پای می فشارد که برابر نهادن دانش و دارایی ، محال است و دلایل برتری دانش بر دارایی را بر می شمرد.

در سخنی دیگر ، وقتی از آن جناب می پرسند که خیر و خوبی در چیست ؟ در پاسخ می فرماید :

« لَيْسَ الْخَيْرُ أَنْ يَكْثُرَ مَالُكَ وَوَلَدُكَ وَلَكِنَّ الْخَيْرَ أَنْ يَكْثُرَ عِلْمُكَ »

خیر و خوبی آن نیست که دارایی و فرزندان تو افزون گردد، بلکه خیر در آن است که دانش تو فزونی یابد. (۱)

از همین رو ، امام صادق علیه السلام فرموده است :

« إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا زَهَّدَهُ فِي الدُّنْيَا وَفَقَّهَهُ فِي الدِّينِ »

هنگامی که خداوند درباره ی بنده ای اراده ی خیر و خوبی فرماید ، او را نسبت به دنیا بی رغبت می کند و دانای در دین می گرداند . (۱)

و نیز حضرت علی علیه السلام می فرماید :

« إِذَا أُرْذَلَ اللَّهُ عَبْدًا حَظَرَ عَلَيْهِ الْعِلْمَ »

هنگامی که خداوند بخواهد بنده ای را خوار گرداند راه کسب علم را بر او می بندد . (۲)

بزرگترین لطفی که خداوند درباره ی بندگان برگزیده ی خویش داشته ، آن است که به ایشان علم و حکمت داده است . در برتری دانش بر دارایی ، توجه به داستان جناب طالوت جالب است . در داستان برگزیدن آن جناب به فرمانروایی بنی اسرائیل ، بزرگان قوم به پیامبر زمان اعتراض می کنند که :

« لَمْ يُؤْتِ سَعَةً مِنَ الْمَالِ »

طالوت مرد ثروتمندی نیست .

پیامبر زمان در پاسخ به ایشان می گوید :

« إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَ

۱- کافی ۲ / ۱۳۰

۲- نهج البلاغه / حکمت ۲۸۰

خداوند او را برگزیده است [و بر شما برتری داده] و به او علم و قدرت عطا کرده است. (۱)

۳- ویژگی دیگر دانش، آن است که نه تنها نیاز به نگهداری ندارد، بلکه خود، حافظ و حامی آدمی است. برخلاف دارایی که باید از آن پاسبانی و پاسداری کرد تا از خطر دستبرد محفوظ بماند.

هر چه دارایی بیشتر باشد، حفاظت از آن دشوارتر است، اما دانش چنین نیست. دارایی هر چه بیشتر باشد، جا و فضای بیشتری را اشغال می کند، اما دانش این گونه نیست. حضرت علی علیه السلام فرمود:

« كُلُّ وَعَاءٍ يَضِيقُ بِمَا جُعِلَ فِيهِ، إِلَّا وَعَاءُ الْعِلْمِ فَإِنَّهُ يَتَّسِعُ بِهِ »

هر ظرفی چنان است که چون چیزی در آن قرار دهی تنگ تر می شود، جز ظرف علم که هر چه دانش در آن بریزی، به همان نسبت وسعت می یابد. (۲)

۴- ارزش دارایی به آن است که هزینه شود. یعنی اگر تلی از طلا هم باشد، تا زمانی که از آن خرج نکنند، آن تل طلا به خودی خود ارزش ندارد و چون از آن خرج کنند، هر اندازه هم باشد، بر اثر هزینه کردن، از آن کاسته می شود. اما دانش چنان است که هر چه در

ترویج آن بکوشیم ، بر آن افزوده می شود. از این رو امام باقر علیه السلام فرموده است :

« زَكَاةُ الْعِلْمِ أَنْ تُعَلِّمَهُ عِبَادَ اللَّهِ »

زکات دانـش ، آن است که آن را به بندگان خدا بیاموزی. (۱)

یکی از معانی زکات ، رشد و نمو است. بنابراین با نشر دانش ، نه تنها از آن کاسته نمی گردد ، بلکه به آن افزوده می شود .

۵_ نکته ی آخر آنکه هر چیزی که بر اثر ثروت به دست آمده باشد، تا زمانی برقرار است که آن ثروت باقی باشد . شهرت و عزت و کرامتی که به خاطر ثروت ایجاد می شود ، همگی در معرض نابودی است. زیرا هر لحظه احتمال دارد که کاخهای پوشالی حاصل از ثروت ، بر باد رود . اما دولتِ دانش دولتی پاینده است .

خلاصه ی درس سوم :

دانش برتر از دارایی است ، زیرا :

_ ما نگاهبان دارایی هستیم ، اما دانش پاسبان ماست .

_ از دارایی بر اثر دادن و هزینه کردن کاسته

می شود ، اما دانش بر اثر نشر ، فزونی می یابد .

— هر آن چه به وسیله ی مال و ثروت پدید آمده باشد ، با نابودی آن ، از میان می رود .

پرسش های درس :

۱ _ « صنیع المال » یعنی چه ؟

۲ _ خداوند در نابرابری میان دانش و نادانی چه می فرماید ؟

۳ _ حضرت علی علیه السلام خیر و خوبی را در چه می داند؟

۴ _ امام صادق درباره ی اراده ی خیر خداوند درباره ی بندگان چه می فرماید ؟

۵ _ کدام ظرف است که هر چه بر آن بیفزایی ، گنجایشش فزونی می یابد ؟

۶ _ زکات علم چیست ؟

درس چهارم: ثمره ی دانش

هنوز سخنان حضرت علی علیه السلام درباره ی علم و دانش و اهمیت دانش اندوزی پایان نیافته است . به ادامه ی بیانات آن حضرت در این باره گوش دل می سپاریم :

« يَا كُمَّيلَ بْنَ زِيَادٍ ! مَعْرِفَةُ الْعِلْمِ دِينٌ يُدَانُ بِهِ .

بِهَ يَكْسِبُ الْإِنْسَانُ الطَّاعَةَ فِي حَيَاتِهِ ، وَ جَمِيلَ الْأُخْدُوثِ بَعْدَ وَفَاتِهِ ،

وَ الْعِلْمُ حَاكِمٌ وَ الْمَالُ مَحْكُومٌ عَلَيْهِ »

به معنای واژه ها توجه کنید :

مَعْرِفَةُ الْعِلْمِ : شناخت دانش ، آگاهی از علم .

دین : در اینجا یعنی راه و روش .

يُدَانُ بِهِ : به آن پاداش و جزا داده می شود . دین در اینجا یعنی جزا و پاداش . « مَالِكُ يَوْمِ الدِّينِ » یعنی صاحب روز جزا که همان روز قیامت است .

يَكْسِبُ : به دست می آورد ، کسب می کند ، اکتساب یعنی به دست آوردن .

طاعه : فرمانبرداری ، اطاعت .

حیاہ : زندگی ، حیات .

جَمیل : زیبا .

أُحْدُوْثَه : ذکر ، یاد کرد ، گفتگو . به معنای شگفتی نیز آمده است .

وَفاه : مرگ .

مَحْكُوم : شکست خورده ، فرمانبردار .

ترجمه ی عبارت چنین است :

ای کمیل بن زیاد ! آگاهی از دانش و شناخت علمی ، راه و روشی است که به آن پاداش می دهند. به وسیله ی دانش است که انسان فرمانبرداری [از خداوند] را در زندگی خویش به دست می آورد و به وسیله ی همین دانش است که یادمانی نیکو پس از مرگ از خود به جای می نهد .

[آری] علم حاکم و فرمانرواست و دارایی محکوم و فرمانبردار .

به توضیح عبارت پردازیم :

بی تردید در هیچیک از کتابهای آسمانی و در هیچ کتاب دیگری چنان به دانش بها نداده اند که در قرآن به آن ارج نهاده اند . علاوه بر قرآن ، در احادیث و روایات رسیده از پیامبر اکرم و ائمه هدی (صلوات الله علیهم) نیز تأکید فراوانی بر دانش آموزی شده است ، در این سخنانی که از حضرت علی علیه السلام آوردیم نیز ، در عباراتی کوتاه و ژرف ، حضرتش اهمیت و ارزش

دانش آموزی را بیان فرموده است .

بیشتر با بهره گیری از آیات شریفه ی قرآن ، مختصری درباره ی مقام و منزلت دانشمندان الهی سخن گفتیم و اینک می خواهیم سخنانی از معصومین علیهم السلام را شاهد بیاوریم که بیانگر ارزش دانش و دانش آموزی است .

۱ _ نخست گفتاری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می آوریم :

« أَفَّ لِرَجُلٍ لَا يُفَرِّغُ نَفْسَهُ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ لِأَمْرِ دِينِهِ فَيَتَعَاهَدُهُ وَيَسْأَلُ عَنْ دِينِهِ »

بدا به حال مردی که در هر جمعه فراغت و فرصتی برای خویش در _ یادگیری _ امر دینش قرار نمی دهد ، که در آن فرصت و فراغت متعهد باشد و از امر دینش سؤال کند. (۱)

در این هشدار و نکوهش ، رسول اکرم مسلمانان را برمی انگیزد که لااقل در هفته یک بار ، فرصت و فراغتی را به یادگیری معارف دینی اختصاص دهند . پرداختن به امور دنیا و زندگی ، ضرورتی انکارناپذیر است . اما به یاد آخرت بودن و کسب توشه برای جهانی جاودانه نیز لازم می باشد .

۲ _ حضرت علی علیه السلام نیز فرموده است :

« أَيُّهَا النَّاسُ اعْلَمُوا أَنَّ كَمَالَ الدِّينِ طَلَبُ الْعِلْمِ وَالْعَمَلُ »

هان ای مردم! بدانید که کمال دین، دانش جویی و عمل به آن دانش است.

« أَلَا وَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ أَوْجَبُ عَلَيْكُمْ مِنْ طَلَبِ الْمَالِ »

آگاه باشید که دانش جویی بر شما واجب تر از مال خواهی و ثروت اندوزی است.

« إِنَّ الْمَالَ مَقْسُومٌ مَضْمُونٌ لَكُمْ ؛ قَدْ قَسَمَهُ عَادِلٌ بَيْنَكُمْ وَ ضَمِنَهُ وَ سَيَفِي لَكُمْ »

مال و ثروت قسمت شده است و برای شما ضمانت گردیده و خداوند عادل و دادگر آن را در میان شما تقسیم کرده و دادن آن را ضمانت فرموده و به زودی آن را به شما می دهد.

« وَالْعِلْمُ مَخْزُونٌ عِنْدَ أَهْلِهِ وَ قَدْ أُمِرْتُمْ بِطَلْبِهِ مِنْ أَهْلِهِ فَاطْلُبُوهُ »

اما دانش نزد اهلش مخزون و مخفی است و به شما دستور داده اند که آن را از اهلش درخواست کنید و بیاموزید. پس چنان کنید که دستور یافته اید. (۱)

توجه داشته باشید حضرت علی علیه السلام این بیانات را برای کسانی فرموده است که در پی کسب کمال دین هستند و روشن است آنان که کمال دین را طالبند، انگشت شمارند. برای آنان البته دانش دوستی و دانش

اندووزی مهمتر از دارایی دوستی و ثروت اندووزی است . علت این امر را در بخش پیشین گفته ایم که چرا دانش برتر از دارایی است .

در این بیان حضرت علی علیه السلام به لطیفه ی دیگری نیز اشاره می فرماید که البته فهم و پذیرش آن برای همه مقدور نیست و آن این است که ما به راستی باور کنیم خداوند رزق و روزی هر کس را مقدر و معین فرموده و آن را برای هر کس تضمین نموده است و آن را هم به او می دهد. البته روشن است این سخن به آن معنا نیست که ما از تلاش و کوشش در کسب روزی دست برداریم . اما اصل و اندازه ی روزی به دست خداست و اوست که به هر کس به اندازه ای که خود می داند، می دهد .

خلاصه آنکه ضمن نیکو شمردن مال و ثروت و تأیید و تشویق بر استفاده ی درست از آن ، به مال اندووزی امر نشده ایم ، اما به علم آموزی فرمان یافته ایم . در ضمن روشن است اهل علم و دانش حقیقی و الهی همان انبیاء و ائمه علیهم السلام هستند که علما و دانشمندان راستین ، علم و دانش خدایی را از سرچشمه ی وجود پربرکت آنان برمی گیرند و به دیگران می رسانند .

۳_ و بالاخره آنکه امام صادق علیه السلام فرموده است :

« عَلَیْكُمْ بِالْتَّفَقُّهِ فِي دِينِ اللَّهِ وَلَا تَكُونُوا أَعْرَابًا »

بر شما باد که در دین دانا شوید و مانند اعراب جاهلی نباشید .

« فَإِنَّهُ مَنْ لَمْ يَتَفَقَّهْ فِي دِينِ اللَّهِ لَمْ يَنْظُرِ اللَّهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَمْ يُزَكَّ لَهُ عَمَلًا . »

به راستی که اگر کسی در دین خدا دانا نشود ، روز قیامت خداوند به او نگاهی [از لطف] نمی کند و هیچ عملی را برای او پاک نمی شمرد . (۱)

یعنی حتی اگر کسی عبادت خدا را کرده باشد ، اما فهم دینی نداشته باشد و عمق و ژرفای دین را نداند و نفهمد چه بسا آن اعمال عبادی صرف ، بی ارزش و بی فایده باشد .

خلاصه ی درس چهارم :

— دانش حاکم و فرمان رواست و دارایی محکوم و فرمان بر است .

— شناخت دانش ، روشی است که به آن پاداش می دهند.

— به وسیله ی دانش آدمی در این دنیا خدا را اطاعت می کند .

— پس از مرگ ، دانش یادگاری نیکو از انسان باقی می گذارد .

پرسش های درس :

۱_ « دینٌ يُدَانُ بِهِ » یعنی چه ؟

۲_ ثمره ی معرفت دانش چیست ؟

الف : ب : ج : د :

۳_ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم درباره ی ضرورت آموختن دانش دین چه می فرماید ؟

۴_ حضرت علی علیه السلام کمال دین را چه می داند ؟

۵_ امام صادق علیه السلام نادانی در دین را چه می داند ؟

درس پنجم: حیات جاودانه

« يَا كَمِيلُ ! هَلَكْتَ خُزَّانُ الْأَمْوَالِ وَ هُمْ أَحْيَاءُ ، وَ الْعُلَمَاءُ بَاقُونَ مَا بَقِيَ الدَّهْرُ ، أَعْيَانُهُمْ مَفْقُودَةٌ وَ أَمْثَالُهُمْ فِي الْقُلُوبِ مَوْجُودَةٌ »

معنای واژه ها چنین است :

هَلَكْتَ : هلاک شد ، نابود گردید . هلاکت یعنی نابودی .

خُزَّانُ : جمع خازن ، یعنی گردآورنده ، جمع کننده .

أَحْيَاءُ : جمع حی ، یعنی زنده .

بَاقُونَ : جمع باقی : پایدار ، پابرجا ، جاودان .

دَّهْرُ : روزگار ، دوران .

أَعْيَانُ : جمع عین : وجود شریف و گرامی .

مَفْقُودَةٌ : گم شده ، از دست رفته .

أَمْثَالُ : گاهی جمع مثل است ، و گاهی جمع مثل . اما در اینجا جمع مثل است . مثل یعنی : مانند ، یکسان ، شبه و نظیر ، همتا ، داستان ، دلیل ، حدیث ، سرمشق ، درس عبرت ، گفتار

بزرگان، حکمت، گفتار مشهور و نمونه.

به نظر می‌رسد درس عبرت، حکمت، حدیث، و نیز گفتار مشهور و نمونه در اینجا معنای مناسبی باشد.

ترجمه‌ی عبارت چنین است:

ای کمیل بن زیاد! گردآورندگان ثروت و دارایی همگی نابود و هلاکند، هر چند به ظاهر زنده‌اند. و دانشمندان تا روزگار باقی و برقرار است، آنان نیز جاودانه‌اند. وجود شریف و گرامی آنان گم شده است. اما سخنان حکمت‌آمیز و گفتار مشهور آنان در دلها موجود است.

در برخی از آیات شریفه‌ی قرآن مجید، خداوند، مال اندوزی را فراوان نکوهش کرده است و آنان را که طلا و نقره می‌اندوزند و آن را در راه خدا انفاق نمی‌کنند، به عذابی دردناک خیر داده است. (۱) همچنین درباره‌ی هلاکت و نابودی مال اندوزان و فرجام سیاه و سخت آنان، داستان قارون را آورده است:

قارون، مردی از بنی اسرائیل و پسر خاله‌ی حضرت موسی بود. اما سرکشی ورزید و بزرگی طلبید و خویشان را از دیگران برتر پنداشت. خداوند

آنقدر به او مال و ثروت و گنجینه های طلا و نقره داد که حمل و نقل کلیدهای گنجینه های او را بیش از ده نفر مرد نیرومند به عهده داشتند چنان که جابجایی آن کلیدها ، برای آن مردان نیرومند ، سخت و سنگین بود.

قارون بر اثر ثروت انبوه و افسانه ای ، بسیار سرکش و سرمست و بی خبر شده بود . برخی از خردمندان قوم ، او را مورد خطابِ عتابِ آمیز قرار دادند و گفتند : سرمستی و سرفرازیِ تو ، از حدّ و اندازه خارج شده و بر اثر کثرت ثروت ، از شدّت خوشحالی ، سر از پا نمی شناسی . از خدا غافل و بی خبر گشته ای . چنین مباش که خداوند ، افرادی را که بر اثر شدّت فرح و خوشی خدا را از یاد می برند ، دوست ندارد .

آن خردمندان قارون را پند و اندرز می دادند و می گفتند :

از این همه گنجینه و دارایی ، بهره ی بهینه ببر و با آن سرای آخرت خویش را آبادان کن و بهره ای را که از سلامتی و توانایی و فراغت و فرصت و جوانی و نشاط داری فراموش مکن ، و به وسیله ی آن ، آخرت را برگزین . به بندگان خدا نیکی و احسان کن ، همان گونه که خداوند به تو نیکی کرده است . سپاس و ستایشِ خدای را به جای آور ، همان گونه که خداوند به تو نعمت ثروت داده است ، و در زمین فساد و تباهکاری

نکن . خداوند مفسدان و تباہکاران رادوست نمی دارد .

اما قارون ، سرمست از باده ی ثروت بادآورده ، در پاسخ گفت : هر چه دارم بر اساس آن چیزی است که از روش های ثروت اندوزی و گنجینه داری می دانم .

مردک نادان چنین می پنداشت که او و ثروتش ماندنی است . به راستی نمی دانست خداوند ، پیشینیانی را که از او بسی توانا تر و دارا تر بوده اند ، نابود کرده است .

یک روز قارون با شکوه بسیار و زینت چشم گیر و کبر و نخوتی فرعون وار ، بر قوم بنی اسرائیل گذر کرد . در حقیقت قدرت و مکنت مالی خویش را به نمایش گذاشت و آن را به رخ مردم کشید . گروهی از مردم نادان و دنیا دوست با حسرت و آرزو گفتند: ای کاش ما نیز مانند قارون ، مال و دارایی فراوانی داشتیم . به راستی که او بهره ای فراوان دارد .

اما خردمندان و دارندگان دانش به آن بی خردان جاهل گفتند : وای بر شما ، پاداش و ثواب خداوند برای کسانی که ایمان بیاورند و عمل صالح و شایسته انجام دهند ، بسی بهتر است و جز آنان که در برابر جلوه های چشمگیر و دلفریب دنیا صبوری می کنند به آن ثواب الهی نمی رسند .

وقتی سرکشی و سرمستی قارون به اوج خود رسید و خدا را به کلی فراموش کرد خداوند، برای تنبیه او و نیز عبرت دیگران ، کاخ قارون را به همراه

تمامی گنجینه های افسانه ای اش به قعر زمین فرو برد. در آن هنگام که این عذاب بر قارون نازل شد، هیچ گروهی نمی توانست او را یاری کند و هیچ کس قادر نبود مانع از نزول عذاب الهی شود. آنان که تا دیروز آروز می کردند که به جای قارون باشند، با دیدن این عذاب آسمانی گفتند: شگفتا! به راستی این فقط خداوند است که رزق و روزی را به هر یک از بندگان که بخواهد گشاده می گرداند، یا تنگ می گیرد. اگر خداوند بر ما ممت نمی گذاشت، چه بسا ما نیز به زمین فرو می شدیم. شگفتا که کافران هرگز رستگار نمی شوند.

خداوند پس از بیان داستان عبرت انگیز قارون، می فرماید:

آری، آن است سرای آخرت. آن را برای کسانی قرار داده ایم که حتی در اندیشه ی سرفرازی و فساد در زمین نیستند. و فرجام کار، از آن تقوا پیشگان خواهد بود. (۱)

قارون و قارون ها کجایند؟ جز نامی آن هم به زشتی، از ایشان نمانده است. آنها اگر زنده هم باشند، مرده اند. اما سخن زیبایی خردمندان و دانشوران دوران قارون جاودانه مانده است که خطاب به مردم

جاهلی که جلوه ی فریبنده ی ثروت قارون آنان را مبهوت و مات کرده بود ، گفتند :

« وَبَلَّغْنَا قَوْلَهُ لِمَنْ آمَنَ وَاعْمَلُوا صَالِحًا وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّوَسُّلِ إِلَّا الْوَسْطَىٰ لِلْغَالِبِينَ » (۱)

وای بر شما ! پاداش خداوند برای کسانی که ایمان بیاورند و عمل شایسته انجام دهند بسی بهتر است و این پاداش الهی [یا این سخن خردمندان] را جز صابران در نمی یابند .

خلاصه ی درس پنجم :

__ مال اندوزان ، نابودشدگانند ، حتی در زمان حیات .

__ دانشمندان ، زنده و جاویدند ، حتی پس از مرگ .

__ دانشمندان هم می میرند ، اما آثار آنان در دلها می ماند .

پرسش های درس :

۱ _ « أَعْيَانُهُمْ مَفْقُودَةٌ وَأَمْثَالُهُمْ فِي الْقُلُوبِ مَوْجُودَةٌ » یعنی چه ؟

۲ _ خداوند درباره ی ثروت اندوزان چه می فرماید ؟

۳ _ قارون که بود ؟

۴ _ خردمندان قوم به او چه می گفتند ؟

۵_ فرجام کار او چه شد؟

۶_ خردمندان قوم پس از آن فرجام شوم، چه گفتند؟

درس ششم: غربت دانش

دنباله ی بیانات حضرت علی علیه السلام به کمیل را می شنویم :

«ها ! إِنَّ هَاهُنَا لَعِلْمًا جَمًّا _ وَ أَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ _ لَوْ أَصَبْتُ لَهُ حَمَلَةً.

بَلَى أَصَبْتُ لَقِنَا غَيْرَ مَأْمُونٍ عَلَيْهِ . مُسْتَعْمِلًا آلَةَ الدِّينِ لِلدُّنْيَا وَ مُسْتَظْهِرًا بِنِعْمِ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ وَ بِحُجْبِهِ عَلَى أَوْلِيَائِهِ .

أَوْ مُنْقَادًا لِحَمَلِهِ الْحَقِّ ، لَا بَصِيرَةَ لَهُ فِي أَحْنَائِهِ . يَتَّقِدِحُ الشُّكُّ فِي قَلْبِهِ لِأَوَّلِ عَارِضٍ مِنْ شُبْهَةٍ .

أَلَا لَا ذَا وَ لَا ذَاكَ !»

معنای واژه ها را به خاطر می سپاریم :

ها : حرف تنبيه و هشدار . یعنی آگاه باش ! هان !

هیهُنَا (هاهنا) : اینجا

جَمِّم : فراوان ، زیاد

أَشَارَ : اشاره کرد

صَدْر : سینه

لَوْ أَصَبْتُ : اگر می یافتم ، اصابت کردن در فارسی بیشتر به معنای برخوردن کاربرد دارد .

حَمَلَه : جمع حامل : در برگیرنده . در اینجا یعنی یادگیرنده

لَقِن : تیز فهم ، زیرک

غیر مأمون : کسی که نمی توان او را امین شمرد .

مُسْتَعْمِل : عمل کننده ، به کار گیرنده

مُسْتَظْهَر : برتری جو ، پیروزی طلب

نِعَم : جمع نعمت

حُجَج : جمع حجت ، دلیل ، برهان

أولياء : جمع ولی ، اینجا یعنی دوست

مُنْقَاد : مطیع ، فرمانبردار

بَصِيرَه : آگاهی ، بینش

أَحْنَاء : جمع جنو : جانب چیزی

يَنْقَدِح : آتش می افروزد

عارض : روی آورنده ، حادثه

شُبْهه : مطلب باطل و نادرستی که شبیه حق است و آدمی را به اشتباه می اندازد .

ألا : آگاه باش

ذا : این

ذاك : آن

ترجمه ی عبارات چنین است :

در این هنگام حضرت علی علیه السلام _ در حالی که با دست به سینه اش اشاره می فرمود _ گفت : آگاه باش ای کمیل، در اینجا دانش فراوانی نهفته است. ای کاش کسانی را می یافتم که می توانستند آن را در برگیرند و به خوبی نگاه دارند. البته به افراد زیرک و تیزهوشی برخورد می کنم، اما آنها را هیچ امانتدار این دانش ها نمی دانم. آنها کسانی هستند که دانش دین را فرا می گیرند، تا آن را به عنوان آلت و وسیله ای برای اهداف دنیایی به کارگیرند و با نعمت دانشی که خداوند به آنها داده، بر بندگان خدا پیروزی می جویند، و به وسیله ی حجت‌هایی که خداوند نصیبشان کرده، بر دوستان خدا برتری می طلبند.

گروه دیگر فرمانبرداران حاملان حق هستند، اما هیچ بینش و بصیرتی در جوانب و اطراف دین ندارند و با اولین شبهه ای که به ایشان روی آورد، شک در دلشان آتش می افروزد.

آگاه باش که این گروه و آن گروه هیچ کدام شایسته ی آن نیستند که من دانشی را که در دل دارم به آنان بیاموزم.

بهبتر است توضیح درباره ی این گروه ها را از زبان حجت‌های خدا بشنویم :

۱ _ درباره ی گروه زیرک و تیز فهمی که از حربه ی

دین برای اهداف دنیایی بهره می جویند ، به ذکر روایت شریفی از حضرت امام صادق علیه السلام اکتفا می کنیم . آن حضرت فرموده است :

آنگاه که دیدید دانشمندی دوستدار دنیای خویش است ، او را درباره ی دین خود متّهم بدانید. زیرا هر کس دوستدار چیزی باشد ، پیوسته در اندیشه ی حفظ و حراست آن است (به حفظ آن بیش از نگاهبانی دین اهمیت می دهد) .

خداوند به حضرت داود علیه السلام چنین وحی فرمود :

دانشمندی را که فریفته و شیفته ی دنیا است میان من و خودت واسطه قرار مده . اگر چنین کنی او تو را از پیمودن راه محبت من باز می دارد . زیرا این گونه دانشمندان دنیا دوست راهزنانِ بندگانِ هستند که مرا می خواهند . کمترین کاری که درباره ی آن دانشمندان دین فروش ، انجام می دهم آن است که شیرینی و حلاوتِ مناجات با خودم را از دلهای ایشان باز می ستانم .
(۱)

۲ _ درباره ی گروه دوم نیز حضرت علی علیه السلام در سخنی دیگر چنین می فرماید :

«الْمُتَعَبِدُ عَلَى غَيْرِ فِقْهِ كَحِمَارِ الطَّاحُونِ يَدُورُ وَلَا يَبْرَحُ ، وَ رَكَعَاتِنِ مِنْ عَالِمٍ خَيْرٌ مِنْ سَبْعِينَ رَكَعَةٍ مِنْ جَاهِلٍ ؛

لَأَنَّ الْعَالِمَ تَأْتِيهِ الْفِتْنَةُ ، فَيَخْرُجُ مِنْهَا بِعِلْمِهِ ؛

وَ تَأْتِي الْجَاهِلُ فَيَنْسِفُهُ نَسْفًا ؛

وَ قَلِيلُ الْعَمَلِ مَعَ كَثِيرِ الْعِلْمِ خَيْرٌ مِنْ كَثِيرِ الْعَمَلِ مَعَ قَلِيلِ الْعِلْمِ وَ الشُّبْهَةِ «

کسی که بی دانش دین ، خدا را فراوان عبادت می کند ، همانند استر آسیاب است که به گرد خویش می چرخد و پیشتر هم نمی رود .

دو رکعت نماز که دانشمندی گزارد از هفتاد رکعت نماز عابد نادان بهتر و برتر است . زیرا اگر فتنه و آزمایشی بر مرد دانشمند روی آورد ، او به دانش خویش از آن فتنه می رهد. اما اگر آن فتنه به عابد نادانی روی آورد ، او را به کلی از جای برمی کند .

کسی که دانش دینی زیادی دارد و آگاهانه خدا را عبادت می کند ، بهتر است از کسی که فراوان خدا را عبادت می کند ، اما آن عبادتش همراه با دانش اندک و آمیخته به شک و شبهه است. (۱)

خلاصه ی درس ششم :

— حضرت علی علیه السلام به جناب کمیل یادآوری می کند که سینه اش پر از علم است .

— آن حضرت تأکید می فرماید که افراد لایقی را

برای دربرگرفتن آن دانشها ، نمی یابد .

— دو گ_روه شایستگی_ی آن را ن_دارن_د که حض_رت عل_ی علیه السلام به آنها دانش بیاموزد :

الف : تیزهوشانی که از حربه ی دین برای اهداف دنیایی بهره می برند .

ب: ساده لوحان مطیعی که با اندک شبهه ای ، شک و جودشان را فرا می گیرد .

پرسش های درس :

۱_ « ینقدح الشک فی قلبه » یعنی چه ؟

۲_ امام صادق علیه السلام درباره ی « دانشمن_دان دنی_ا | دوس_ت » چه می فرماید ؟

۳_ کم ترین کاری که خداوند با این دسته از دانشمندان انجام می دهد ، چیست ؟

۴_ حضرت علی علیه السلام « عابد بی دانش » را به چه چیز تشبیه می کند ؟

۵_ به گفته ی حضرت علی علیه السلام چرا دین داری همراه با دانش ، از دین داری بی دانش برتر است ؟

درس هفتم: مرگ دانش

به ادامه ی بیانات حضرت علی علیه السلام گوش دل

می سپاریم :

« أَوْ مَنَّهُوَمَا بِاللَّذَّةِ ، سَلِسَ الْقِيَادِ لِلشَّهْوَةِ

أَوْ مُعْرَمًا بِالْجَمْعِ وَ الْإِدْخَارِ .

لَيْسَا مِنْ رُعَاهِ الدِّينِ فِي شَيْءٍ .

أَقْرَبُ شَيْءٍ شَبَّهَا بِهِمَا الْأَنْعَامُ السَّائِمَةُ .

كَذَلِكَ يَمُوتُ الْعِلْمُ بِمَوْتِ حَامِلِيهِ »

معنای واژه ها را می آموزیم :

مَنْهُوْمَ : بسیار گرسنه

لَذَّةَ : لذت ، خوشی

سَلِسَ : رام ، نرم و آسان ، تسلیم محض

قِيَادَ : مهار ، لگام

شَهْوَةَ : شهوت ، خواسته ی زیاد

مُعْرَمًا : حریص ، آزمند ، بسیار شیفته و خواهان چیزی

إِدْخَارَ : جمع آوری ، ذخیره کردن ، گنجینه ساختن

لَيْسَا : نیستند

رُعاه : جمع راعی ، نگاه دارنده ، رعایت کننده

الأنعام السَّائِمَه : چهارپایان چرنده

يَموتُ : می میرد . موت یعنی مرگ

حامل : دربرگیرنده . حاملیه در اصل حاملینه بوده ، یعنی دربرگیرندگان دانش ، که چون به « ها » اضافه شده ، « نون » حذف شده است .

و اینک ترجمه ی عبارات :

گروه دیگری که (من با آنها برخورد دارم) کسانی هستند که سخت شیفته و گرسنه ی لذت و خوشگذرانی هستند . زمام خود را رها کرده ، رام و فرمانبر شهوت خویش گشته اند .

جمعی دیگر آنها هستند که بسیار حریص و آزمند در گردآوری و گنجینه کردن مال و ثروت می باشند . این دو گروه اخیر به هیچ روی امر دین را در هیچ چیز رعایت نمی کنند ، آنان بیشترین شباهت را به چهارپایان چرنده دارند .

(آری ، کمیل !) این چنین است که علم با مرگ حاملان و دربرگیرندگان آن ، می میرد و از میان می رود .

امیر المؤمنین علیه السلام در وصف دو گروه اخیر فرمود: اینان بیشترین شباهت را به چهارپایان چرنده دارند . بجا است که به استاد آیات شریفه ی قرآن ، درباره ی آنها کمی گفتگو کنیم :

۱- بی تردید کسانی که تمام کوشش و هم‌تشان شهوترانی و خوشگذرانی است و نیز آنها جز به مال اندوزی و گنجینه سازی نمی اندیشند، و به خدا و قیامت اعتقادی ندارند، چهارپایانی هستند که سر در آخور خویش دارند و از زندگی هیچ نمی فهمند. تعبیر روشن قرآن را درباره آنان چنین می خوانیم:

« وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ » (۱)

آنان که کافر گشته اند، از زندگی مادی دنیا بهره می برند و همانند چهارپایان در چراگاه دنیا می چرند.

۲- همچنین قرآن کریم درباره ی آنها که _ با پیروی از هوای نفس _ در پی خوشگذرانی و لذت هستند، می فرماید:

« أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكَيْلًا .

أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا » (۲)

آیا دیدی آن کس را که خواسته ی دل خویش را خدای خود گرفته است؟ آیا تو وکیل او هستی؟

یا چنان می پنداری که بسیاری از ایشان می شنوند

۱- سوره محمد صلی الله علیه و آله وسلم / ۱۲

۲- فرقان / ۴۳ و ۴۴

یا می اندیشند؟ آنان جز چهارپایانی بیش نیستند، بلکه از چهارپایان هم سرگشته ترند.

خداوند در این آیه ی شریفه شهوترانان و هوس بازان را مورد نکوهش شدید قرار می دهد و به پیامبر می فرماید که نه تو وکیل آنان هستی و نه آنان هدایت پذیرند. بنابراین افرادی این چنین را باید به حال خود وانهاد، تا در باتلاق زندگی خویش غوطه ور باشند، چون هیچ گونه تذکر و هشدار در آنان کارساز نیست.

۳_ سخن را درباره ی اینگونه افراد _ که متأسفانه بیشترین افراد جامعه را تشکیل می دهند _ از بیان قرآن کریم می شنویم:

« لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ »

[این گروه از انسانهای کافر و دوزخی] دل دارند، اما نمی فهمند. چشم دارند، اما نمی بینند. گوش دارند، اما نمی شنوند. آنان همانند چهارپایان، بلکه پست تر و گم گشته ترند. هم ایشان غافلان و بی خبرانند. (۱)

در کتاب دوم، در ادامه ی بیانات حضرت علی علیه السلام،

پس از این اظهار ناامیدی، دریچه ای از نور و امید به روی ما گشوده خواهد شد. شما را به خواندن آن کتاب توصیه می کنیم .

خلاصه ی درس هفتم :

__ دو گروه دیگر هستند که زمینه و آمادگی و شایستگی آن را ندارند تا حضرت علی به آنها دانش دین بیاموزد :

الف __ کسانی که زمام خویش را به لذت و شهوت سپرده اند .

ب __ گروهی که در جمع آوری مال و ثروت بسیار حریص هستند .

__ حضرت علی علیه السلام آن دو گروه را به هیچ روی شایسته ی دین داری نمی داند .

__ آنها بیشترین شباهت را به چهارپایان چرنده دارند .

__ با وجود این دو گروه و دو گروهی که در درس پیش از آنها یاد شد ، مرگ دانش فرا می رسد .

پرسش های درس :

۱_ « مُغْرَمًا بِالْجَمْعِ وَالْإِذْخَارِ » یعنی چه ؟

۲_ خداوند درباره ی کسانی که تمام همتشان شهوت و شکم است چه می فرماید ؟

۳_ خداوند درباره ی « پیروان هوای نفس » چه بیانی دارد ؟

۴_ نشانه های این گونه افراد چیست ؟

الف : ب : ج : د :

بخش چهارم : حجت پایدار

درس ششم :

عبارات پایانی بیانات حضرت علی علیه السلام خطاب به کمیل را ، در این بخش به انجام می رسانیم . البته درسهای این بخش به دقت و توجه بیشتری نیاز دارد ، چون یکی از مهم ترین مباحث در معارف شیعی را در بر می گیرد .

در درس پیشین دانستیم که حضرت علی علیه السلام دردمندانه و مأیوسانه ، از مرگ دانش در پی مرگ دانشوران دین و پس از آن ناامیدی ، دریچه ای از امید به روی جویندگان راه سعادت می گشاید و می فرماید :

« اللَّهُمَّ بَلِّی ، لَا تَخْلُوا الْأَرْضُ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّتِهِ »

نخست طبق شیوه ی پیشین به توضیح واژه ها می پردازیم :

اللَّهُمَّ : بار خدایا ، الهی

بَلِّی : آری

ترکیب دو کلمه در معنای لفظی می شود : بارخدایا ، آری . اما در این جمله ، معنای استثنا می دهد . یعنی : الا آن که ، جز آن که ، البته .

لا تَخْلُو : خالی نمی ماند .

قائم : کسی که قیام می کند . کسی که به پا می خیزد. بِحُجَّهِ : به وسیله ی حُجَّت . حُجَّت در لغت یعنی دلیل . اما در اصطلاح فرهنگ شیعه معنای عمیق تر و مهم تری دارد، که درباره ی آن سخن خواهیم گفت .

با توجه به توضیحی که درباره ی تک واژه ها دادیم ، ترجمه ی جمله با توضیح مختصر چنین می شود :

البته [الآن که] زمین ، از کسی که با حُجَّت برای خدا به پا خیزد ، خالی نمی ماند . هر چند که بر اثر نبودن افراد لایق ، دانش دین در سینه ی حاملان آن دفن می شود ، اما به هر صورت کسانی هستند که برای خدا به پا می خیزند و حُجَّت خدا را برپا می دارند .

این عبارات عمیق و مجمل و فشرده ، به شرح و بسط بیشتری نیاز دارد که آن را بیان می کنیم :

۱ _ گفتیم که حضرت علی علیه السلام از گروهی یاد می کند که شایستگی ندارند تا دانش دین را در بر بگیرند .

« وَ كَذَلِكَ يَمُوتُ الْعِلْمُ بِمَوْتِ حَامِلِيهِ »

و این چنین است که با مرگِ در برگیرندگان دانش ، مرگ دانش نیز فرا می رسد .

اما این_ك با کلمه ی استثنای « اَللهُمَّ بلَى » ، حضرت علی علیه السلام می فرماید ، با وجود این حقیقت تلخ ، فروغ

جاودانه ی دین ، رو به خاموشی می گذارد ، اما هرگز خاموش نمی شود.

با بهره گیری از این سخن گهربار ، می خواهیم درباره ی مسأله ی بسیار مهم و اساسی : « ضرورت وجود حجج خدا در روی زمین » بیشتر گفتگو کنیم ، چرا که این بحث ، از مباحث زیربنایی در اعتقادات شیعی است .

۲_ ماجرا را از آن زمان پی می گیریم که خداوند خطاب به فرشتگان خبر داد که :

« اَنْی جَاعِلٌ فِی الْاَرْضِ خَلِیْفَهٗ » (۱)

من در زمین خلیفه قرار می دهم .

از این سخن چنان بر می آید که خداوند ، پیوسته و برای همیشه چنین خواهد کرد ، زیرا کلمه ی « جَاعِلٌ » استمرار این امر را نشان می دهد . « جاعل » یعنی کسی که قرار می دهد ، نصب می کند. و این کار را هم پیوسته انجام می دهد .

فرشتگان، پیش از آن ، از کارهای زشتِ گروهی از آفریدگان خداوند در زمین ، آگاهی داشتند. و به خاطر پیشینه ی بد آنها ، به خداوند عرض کردند:

« اَتَجْعَلُ فِیْهَا مَنْ یُفْسِدُ فِیْهَا وَ یَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِکَ وَ نُقَدِّسُ لَکَ »

آیا [ای خداوند] کسی را در زمین قرار می دهی که

در آن فساد به پا می کند و خون می ریزد؟ در حالی که ما به وسیله ی حمد و ستایش تو، ترا تسبیح می گوئیم و تقدیس می نمایم.

۳_ البته پیش از آفرینش آدم علیه السلام خداوند موجوداتی را آفریده بود که آنها شبیه انسان بودند، اما انسان نبودند _ آن موجودات که بسیار وحشی و خونریز بودند، « نَسْناس » نام داشتند. البته نسل آنها نابود شده بود. اما فرشتگان از آن سابقه ی سوء هراس داشتند تا آن را نیاوردند که خداوند موجودات دیگری بیافریند که در زمین خونریزی و فساد کنند. البته این سخن آنها همچنین از آن حکایت می کند که ایشان نتوانسته اند وجود خلیفه را در زمین تحمّل کنند. در حقیقت آنها ندانسته زبان به اعتراض گشودند و خداوند در پاسخ به ایشان فرمود:

« اِنِّیْ اَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ » (۱)

من چیزی می دانم که شما نمی دانید.

« وَ عَلَّمَ آدَمَ الْاَسْمَاءَ كُلَّهَا »

و خداوند، تمامی نام ها [و نشانه ها] را به آدم آموخت. و برای آن که به فرشتگان بفهماند که آنها بسیاری چیزها را نمی دانند:

« ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ

فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ » (۱)

سپس آن [نام‌ها] را به فرشتگان عرضه کرد. فرمود: اگر راست می‌گویید، مرا به نام‌های اینان خبر دهید.

و فرشتگان که چیزی در آن باره نمی‌دانستند، عرض کردند:

« سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ »

پاک و منزهی تو، ای خداوند! ما هیچ دانشی نداریم، جز آنچه تو به ما آموخته‌ای. به راستی که تو خود بسیار دانا و حکیم هستی.

آنگاه خداوند به آدم فرمان داد:

« يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ »

ای آدم! نام‌های آنانی را که فرشتگان نامشان را نمی‌دانستند، به ایشان خبر بده.

آنگاه:

« فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ ، قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ

أَنِّي أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

وَ أَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَ مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ » (۲)

چون آدم نام‌ها را به فرشتگان خبر داد، خداوند

فرمود: به شما نگفتم که من نهانِ آسمان‌ها و زمین را می‌انم؟ نگفتم که من آنچه را که شما در درون خویش پنهان می‌کنید، با در برون آشکار می‌سازید، همه را می‌دانم؟

۴_ به هر حال، حضرت آدم علیه السلام به عنوان نخستین حجّت و خلیفه ی خداوند در این کره ی خاکی، همراه با همان دانشی که خداوند درباره ی « نام‌ها » به او آموخته بود، در زمین مستقر شد.

اراده و خواست خداوند، بر آن بود که زمین از خلیفه ی خدا خالی نماند. از همین رو، چون دوران پیامبری حضرت آدم علیه السلام پایان یافت و عمرش به سر آمد، خداوند به او فرمود:

ای آدم! روزگار تو تمام شد و دوران نبوت تو پایان پذیرفت. اینک آنچه که از علم و ایمان و میراث نبوت و باقی مانده ی دانش و اسم اعظم، نزد توست، همه را جانشین خود « هبه الله » بسپار.

چنین کن، از آن رو که من، زمین را بدون دانشمندی که دین، و فرمانبرداری من، به وسیله و راهنمایی او شناخته شود، خالی نمی‌گذارم. این خلیفه و حجّت و دانشمند الهی، موجب می‌گردد تا کسانی که مطیع و فرمانبر من می‌باشند، نجات یابند. (۱)

۵_ ای_ن_سنت_خداون_دی_از_هم_ان_زم_ان_حضرت_آدم_علیه_السلام_آغاز_شد_و_در_دوران_های_بعد_ادامه_یافت_.
چنانچه_درباره_ی_حضرت_نوح_علیه_السلام_آمده_است_:

آن_جناب_،_پس_از_ماجرای_طوفان_،_پانصد_سال_دیگر_زندگی_کرد_._تا_آنکه_جناب_جبرئیل_به_نزد_حضرتش_آمد_و_فرمود:

ای_نوح_!_روزگار_پیامبری_تو_پایان_پذیرفته_،_و_دوران_تو_کامل_گشته_است_._خداوند_چنین_می_فرماید_که_میراث_و_نشانه_های_نبوت_و_دانشی_را_که_همراه_داری_،_همه_را_به_پسرت_«_سام_»_بسپار_.

آری_،_ای_نوح_!_آگاه_باش_که_من_هیچگاه_زمین_را_بدون_دانشمندی_که_اطاعت_و_بندگی_من_به_وسیله_ی_او_شناخته_شود_،_و_به_این_ترتیب_باعث_بخت_آوری_و_نجات_بندگان_باشد_،_رها_نمی_کنم_.

وجود_چنین_کسی_در_فاصله_و_فترتِ_رحلت_پیامبر_زمان_،_تا_بعثت_پیامبر_بعدی_خواهد_بود_.

من_،_مردم_را_بدون_حجت_و_هادی_دعوت_کننده_ی_به_سوی_من_،_وانمی_گذارم_.

حجتی_که_عارف_و_آشنا_به_امر_و_فرمان_من_باشد_._آری_،_اراده_و_خواست_من_بر_آن_جاری_و_ساری_گشته_است_که_برای_هر_قوم_و_گروهی_،_هدایت_گری_قرار_دهم_،_تا_به_وسیله_ی_او_نیک_بختان_را_هدایت

کنم و او را حجّت و دلیل گردانم بر کسانی که تیره بختی را برای خود برگزیدند .

نوح نیز به فرمان خداوند ، تمامی میراث های گرانبها را به پسرش « سام » سپرد . ما « حام » و « یافث » _ دو پسر دیگرش _ را از آن دانش الهی بهره ای نبود .

۶ _ سپس نوح ، خاندان خویش را ب _ آمدن « هود » بشارت داد و به آنان فرمود که پس از آمدن « هود » ، از او به عنوان پیامبر پیروی کنند . و برای آن که انسان فراموش کار ، وصیت او را به بوته ی اجمال و نسیان نسپرد ، به آنان فرمود همه ساله ، در روزی معین ، تا زمان ظهور هود ، وصیت او را بگشایند و در مراسمی معنوی ، به آن بنگرند و آن را بخوانند . به آنان فرمود چنین روزی را عید بگیرند و شادمانی کنند .

حضرت آدم علیه السلام نیز به خاندان خود چنین دستوری داده بود . بازماندگان او هم همه ساله در روزی معین ، وصیت آدم را می گشودند و در آن می نگریستند و آن را می خواندند . چنین می کردند تا از یاد نبرند که خداوند به آنها چه فرمان هایی داده است . تا حجّت خدا بر آنان آشکار بماند . (۱)

۷ _ این ماجرا از همان زمان حضرت آدم علیه السلام ادامه داشته و پیوسته نیز چنین بوده است . و تا برپایی

قیامت نیز همچنان ادامه خواهد داشت . حضرت امام باقر علیه السلام در تأکید بر این مطلب می فرمایند:

« وَ اللَّهُ مَا تُرِكَ الْأَرْضُ مُنْذُ قَبَضَ اللَّهُ آدَمَ الْأَوَّلَ فِيهَا إِمَامٌ يُهْتَدَى بِهِ إِلَى اللَّهِ

وَ هُوَ حُجَّه اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ

وَ لَا تَبْقَى الْأَرْضُ بِغَيْرِ حُجَّهٍ عَلَى عِبَادِهِ »

به خدا سوگند ، از آن زمان که خداوند روح حضرت آدم را گرفت ، زمین به حال خود رها نشد ، مگر آن که در آن پیوسته پیشوا و امامی بود که مردم به وسیله و راهنمایی او، به سوی خداوند راه می یافتند. و آن امام، حجت خدا بر بندگان است . و زمین هیچگاه بدون حجتی از خدا بر بندگان ، باقی نمانده و نمی ماند . (۱)

همین سخن سدید از امام صادق علیه السلام نقل شده و در پایان آن آمده است :

«مَنْ تَرَكَهُ هَلَكَكَ وَمَنْ لَزِمَهُ نَجَا، حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ» هر کس آن حجت را رها کند ، نابود می شود . و هر کس همراه او باشد ، نجات می یابد . این [رهایی با همراهی حجت] حقی است که خداوند خود بر خویشان قرار داده است . (۲)

۸ _ ضرورت وجود این حجت تا آنجاست که امام

۱- بحار الانوار ۲۳ / ۲۲

۲- بحار الانوار ۲۳ / ۲۳

صادق علیه السلام می فرماید :

جناب جبرئیل بر رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نازل شد و این خبر را از جانب خداوند برای حضرت رسول آورد:

« ای محمد! من زمین را رها نمی کنم ، جز آن که پیوسته دانشمندی در آن خواهد بود که [راه] اطاعت و هدایت مرا می شناسد ، و میان رحلت یک پیامبر تا بعثت پیامبر دیگر ، موجب نجات مردمان می شود . من ابلیس را وانمی گذارم تا مردم را گمراه کند ، در حالی که کسی در زمین نباشد که حجت و دلیل بر من باشد ، مردم را به سوی من فرا بخواند ، آنان را به راه من هدایت کند ، و عارف و آگاه به امر و فرمان من باشد . من چنان حکم کرده ام که برای هر قومی هدایت کننده ای باشد که به وسیله ی او نیک بختان را هدایت کنم و حجت بر تیره بختان (که گمراهی را به اختیار خود برگزیدند) نیز باشد . (۱)»

تمام این حقایق _ که قطره ای از دریای معارف شیعی است _ در دل همان جمله کوتاه امام امیرالمؤمنین علیه السلام جای دارد که فرمود : « اللهم بلی لا تخلو الارض من قائم لله بحجه »

درس هفت_ م :

حضرت علی علیه السلام در ادامه ی سخنان خود می فرماید :

« اَمَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا وَ اَمَّا خَائِفًا مَعْمُورًا »

معنای تک واژه ها چنین است

ظَاهِر : آشکار ، اسم فاعل از ظَهَرَ

مَشْهُورًا : شناخته شده . مشهور (اسم مفعول از مصدر شهرت)

خَائِف : نا امن . کسی که امنیت ندارد . اسم فاعل از مصدر خوف .

مَعْمُور : پوشیده شده ، پنهان . اسم مفعول از عَمَرَ .

ترجمه ی عبارت این است :

(آن حجت های الهی) یا آشکار و شناخته شده اند و یا ناامن و پنهان هستند.

در توضیح این جمله ، چند نکته بیان می شود :

۱_ بر اساس این سخن ، وجود حجت در هر زمان ، قطعی و حتمی است . حال اگر احیاناً مردم یک زمان حجت را نمی شناختند ، دلیل بر عدم وجود او نیست . زیرا ممکن است در آن روزگار ، حجت خدا ، در خفا باشد و حکمت و مصلحت خداوندی چنان باشد که این پنهانی و خفا ضروری گردد .

۲_ از همین جا، بحث مهم غیبت درباره ی حجت ها و اوصیای خدا مطرح می شود . و در تاریخ پیامبران ، با

واقعیتی انکار نشدنی به نام « غیبت از قوم » مواجه می شویم .

شیخ صدوق (رحمه الله علیه) در کتاب نامدار خود « کمال الدین و تمام النعمه » غیبت پیامبران پیشین را یاد می کند. از همین جا به اثبات و بیان غیبت حضرت صاحب الزمان علیه السلام می پردازد و به تفصیل در این باره سخن می گوید .

۳_ وجود مقدّس حضرت ولیّ عصر علیه السلام آخرین حجّت خدا در روی زمین ، مصداق بارز و کامل و زنده ی این عبارت پدر بزرگوارش امیر المؤمنین علیه السلام که خواندیم :

« اَمَّا خَائِفًا مَّعْمُورًا »

۴_ همه می دانیم که سالیانی سخت و سیاه از دوران غیبت حضرت حجّت حق ، امام زمان علیه السلام می گذرد . به طور اشاره بگوییم که وقتی از امام صادق علیه السلام سؤال می شود که مردم چگونه از حجّت پنهان و پوشیده بهره مند می شوند ، امام علیه السلام پاسخ می دهند همان گونه که از خورشید بهره می برند هنگامی که ابر او را پوشانیده است . (۱)

به ادامه ی سخنان امیر المؤمنین علیه السلام گوش جان بسپاریم .

« لِئَلَّا تَبْطُلَ حُجْبُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ »

لئلاً: (لِ أَنْ لَا) تبطل: برای آن که باطل نشود.

حُجَج: جمع حَجَّت: دلیل

بَيِّنَات: جمع بَيَّنَّه: نشانه‌ی روشن

معنای جمله این است:

تا آن که (برای آن که) حَجَّت ها و نشانه‌های روشن خداوند، باطل و بیهوده نگردد.

این سخن در حقیقت بیان حکمت وجود حَجَّت است. البته عَلَتْ و حکمت اصلی وجود حَجَّت، در درجه‌ی نخست همان است که خداوند خود فرموده است:

« انی جاعلٌ فی الأرض خلیفه »

من در زمین خلیفه قرار می‌دهم. (۱)

و به دنبال این درخواست و اراده، خداوند حکمت‌های دیگری را نیز بیان فرموده است که پیش‌تر به آن پرداختیم. اکنون به یک گفتار گران‌سنگ دیگر از امام صادق در این باره تبرک می‌جوئیم:

« خداوند، هیچگاه زمین را رها نمی‌کند، وانمی‌نهد، جز آنکه در آن، دانشمندی باشد که (به علم موهبتی الهی) فزونی و کاستی (در دین) را بداند. بدین سان اگر مؤمنان (ندانسته) چیزی را در دین بیفزایند، آن عالم الهی آن را رد می‌کند. و هنگامی که نقصانی در دین پدید آورند، آن کاستی را کامل می‌گرداند و

می فرماید آن را تمام و کمال برگیرید . و اگر این (حجّت خدا) نمی بود ، کارِ مؤمنان بر آنها پنهان و پوشیده می ماند ، و میان حق و باطل جدایی نمی افتاد. « (۱)

عباراتی که امیر کلام علیه السلام پس از این به جناب کمیل فرموده ، روشنگر حقایقی هستند که پیش از این درباره ی برخی از آنها سخن گفتیم . توجه کنید :

« وَ كَمَ ذَا وَ اَيْنَ ؟

اُولئِكَ وَ اللّٰهُ الْاَقْلَوْنَ عَدَدًا

وَ الْاَعْظُمُونَ عِنْدَ اللّٰهِ قَدَرًا »

ابتدا معنای واژه ها را می آوریم :

كَمَ : چه قدر ، چه اندازه ، چه مقدار

ذَا : این

اَيْنَ : کجا

الْاَقْلَوْنَ : جمع اقل : کم

اَعْظُمُونَ : جمع اعظم : بزرگ ، والا مقام

قَدَر : ارزش ، قیمت

و آنان چند نفرند و کجا هستند ؟

به خدا سوگند عدد آنان کم ، و قدر و قیمتشان نزد خداوند بسی بزرگ است .

درباره ی حکمت وجود حجّت در روی زمین

پیش تر سخن گفتم، و اینک با بیانی زیبا و ژرف از حضرت باقر علیه السلام به حکمتی دیگر و نیز ویژگی و منزلت حجّت های الهی، پی می بریم:

جواب ربن یزی د جعفری _ که از یاران والا مقام امام باقر علیه السلام بود _ نقل می کند که به امام عرض کردم:

به چه دلیل، ما به وجود پیامبر و امام نیاز داریم؟

امام علیه السلام فرمود: به خاطر بقا و ماندگاری عالم بر صلاح و سداد. زیرا خداوند، هنگامی که در زمین پیامبر یا امامی باشد، عذاب را از اهل زمین برمی دارد و بر می گرداند.

خداوند خطاب به پیامبر می فرماید: « تا زمانی که تو در میان مردم باشی، خداوند آنان را عذاب (عمومی و هنگامی) نمی کند. » (۱)

و پیامبر نیز فرمود: « ستارگان آمان اهل آسمان، و اهل بیت من آمان اهل زمین هستند.

هنگامی که ستارگان از میان بروند، اهل آسمان نابود می شوند. و هنگامی که اهل بیت من نباشند، اهل زمین از میان می روند. »

منظور پیامبر از اهل بیت، همان امامانی هستند که خداوند اطاعت و فرمان پذیری از آنان راهمراه و وابسته به فرمان بردن از خود دانسته، و فرموده است:

« يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ »

(هان ای کسانی که ایمان آورده اید! از خدا و رسول او اولی الامر اطاعت کنید .) (۱)

و آن اولی الامر و امامان ، معصوم و پاک از گناه می باشند . آنان هرگز گرد گناه نمی گردند و هیچگاه از فرمان خداوند سرپیچی نمی کنند . آنان مورد تأیید خداوند می باشند و توفیق الهی نصیب ایشان گشته است .

خدای مهربان به خاطر آنها به بندگان رزق و روزی می دهد ، به نعمت وجود آنها سرزمین ها را آباد می کند ، باران را از آسمان به گُل روی آنها فرو می فرستد ، و برکات زمین را به خاطر ایشان خارج می فرماید . اگر خداوند به گناهکاران مهلت می دهد و در عقوبت و عذاب آنان شتاب نمی ورزد ، باز به خاطر آن بزرگواران است . آنها هیچگاه از روح القدس جدا نمی شوند و روح القدس نیز هرگز از ایشان جدا نمی شود . همچنین قرآن پیوسته با ایشان است و آنها هم همیشه همراه قرآن می باشند . صلوات و دروهای خداوند بر همگی آنها باد . (۲)

درس هشت_م :

در درس های پیشین با گوشه ای از منزلتِ حجت های خدا آشنا شدیم . برخی دیگر از ویژگیهای آنان در دنباله ی سخنان حضرت علی علیه السلام چنین یاد شده است :

« يَحْفَظُ اللَّهُ بِهِمْ حُجَجَهُ وَ بَيِّنَاتِهِ

حَتَّى يُودَّعُوهَا نُظْرَاءَهُمْ

وَ يَزْرَعُوهَا فِي قُلُوبِ أَشْيَاهِهِمْ »

يَحْفَظُ : حفظ می کند، نگاه می دارد .

حُجَج و بَيِّنَات : پیش از این دو کلمه را معنا کرده ایم .

يُودَّعُوهَا : در اصل « یودعونها » بوده ، که چون «حتی» بر سر آن آمد ، « ن » حذف شده است .

معنا چنین می شود : تا آن که آن را به ودیعه بگذارند .

يَزْرَعُوهَا : این کلمه نیز در اصل « یزرعونها » بوده و به خاطر حَتَّى « ن » حذف شده یعنی آن را می کارند .

نُظْرَاءَ : جمع نظیر : همگن ، همانند

أَشْيَاهَ : جمع شبیه : مثل ، مانند

ترجمه چنین می شود :

خداوند به وسیله ی آنان ، حجت ها و نشانه های روشن دین را حفظ و حراست می فرماید ، تا آن که (

چون روزگار هر يك از ايشان سر آمد (آن حجّت ها و بينات را نزد كسانی كه هم رتبه و همانند آنان هستند به ودیعه و امانت بگذارند ، و بذر دانش دین را در دل آنان كه مثل و مانند خودشان می باشند ، بکارند .

برخی از آثار وجودی حجّت های الهی در دروس پیشین گفته شد . اینك برای تبیین حکمت علوی ، به بیان چند نکته می پردازیم :

۱ _ امام رضا علیه السلام یکی از آثار وجودی حجّت خدا را این گونه بیان می فرماید :

« اگر خداوند برای مردم امامی قرار ندهد ، ملت و هویت اسلام کهنه و پوسیده می شود ، دین از میان می رود و سنت و احکام دیگر گونه می گردد . امامی كه قیم آیین و امین دین و حافظ سنت و امانت دار احکام خداست .

آری اگر چنین وجود مبارکی نباشد ، بدعت گذاران، در دین فزونی راه می دهند . و ملحدان در آن کاستی به وجود می آورند ، و راه روشن اسلام را بر مسلمانان شبهه ناک می کنند . زیرا كه ما مردم را چنان یافته ایم كه ناقص و محتاج و غیر كامل هستند. به علاوه اختلاف در میان خود آنها و درخواست هایشان و حافظ موارث رسول خدا برای آنها باشد، به همان علت كه روشن کردیم ،

مردم تباه می شوند و شریعت های خدا و سنت ها و احکام و ایمان دگرگون می گردد که این دگ_رگون_ی هم به تباهی و نابودی همه ی مردم می انجامد. (۱)

۲_ پیش از این به تفصیل بیان کردیم که از زمان حضرت آدم علیه السلام این امر مهم پیوسته صورت می گرفته است. در اصطلاح معارف دینی، به این امر «اتصال وصیت» گفته می شود. یعنی پیوستگی وصیت هر پیامبر و وصی، با پیامبر و وصی بعدی تا زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم، و پس از آن حضرت تا زمان حضرت حجت علیه السلام.

در یکی از نامه هایی که حضرت امام حسن عسکری علیه السلام به شیعیان خویش مرقوم فرموده، آمده است:

«هیچ یک از پدران من، به شک و تردیدی که گروهی از شیعیان درباره ی من دچار آن شده اند، مبتلا نشده بودند. اگر اعتقاد شما آن باشد که امر امامت و وجود حجت تا زمان معینی برقرار است، البته شک و تردید جا دارد. اما اگر معتقدید که لزوم و وجوب حجت، همانند آنچه که از زمان حضرت آدم بوده، پایدار و برقرار است، دیگر شک و تردید جایی ندارد.» (۲)

این بیان حضرت عسکری علیه السلام حکایت از آن دارد

۱- بحار الانوار ۲۳ / ۳۲

۲- بحار الانوار ۲۳ / ۳۸

که مسأله‌ی لزوم و وجود، محور اصلی عقاید شیعیان از ابتدای امر بوده است. و حضرت عسکری علیه السلام با استناد به همین عقیده، توانست بسیاری از شیعیان را از حالت شک و تردید به درآورد. (۱)

۳- به همین جهت، حضرت علی علیه السلام را «خاتم الاوصیاء» می‌نامند. (۲) چون نبوت به وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم پایان پذیرفته است و دیگر پیامبری نخواهد آمد که پس از خود وصی تعیین کند. بنابراین حضرت علی علیه السلام آخرین کسی است که توسط پیامبر خدا مستقیماً به عنوان وصی تعیین می‌گردد. البته حضرت مهدی علیه السلام نیز «خاتم الاوصیاء» است، چون پس از آن جناب هیچ کس وصی نمی‌باشد.

اگر دقت کنید، در می‌یابید که حضرت علی علیه السلام از آن منظر این لقب را دارد که وصی بی واسطه‌ی آخرین پیامبر است. و حضرت مهدی علیه السلام نیز، از آن جهت این لقب را دارد که آخرین حلقه‌ی زنجیره‌ی زرین وصایت در هستی است.

۱- همان مدرک

۲- همان مدرک

بخش پنجم: ویژگیهای حجت خدا

درس نه_م:

امیر المؤمنین علیه السلام در وصف حجت های الهی به کمال می فرماید:

« هَجَمَ بِهِمُ الْعِلْمُ عَلَى حَقِيقَةِ الْبَصِيرَةِ

وَ بَاشَرُوا رُوحَ الْيَقِينِ »

هَجَمَ: هجوم آورد، به یک باره وارد شد.

بَصِيرَةِ: آگاهی، بینش

بَاشَرُوا: مباشرت کردند، در بر گرفتند.

دانش دین بر حقیقت بینش و بصیرت، یک باره بر آنان وارد شده است. و روح یقین رادر بر گرفته اند.

در توضیح این جمله چند نکته بیان می شود:

۱- پیش از این دانستیم که خداوند، دانش اسماء را به آدم علیه السلام آموخت. روایتی را که برای تبیین این حقیقت می آوریم، فضیل بن یسار از دو امام معصوم شنیده است، از امام باقر و امام صادق علیهما السلام:

« اِنَّ الْعِلْمَ الَّذِي اُهْبِطَ مَعَ آدَمَ لَمْ يُرْفَعْ وَ الْعِلْمُ يَتَوَارَثُ.

وَ كُلُّ شَيْءٍ مِنْ الْعِلْمِ وَ آثَارِ الرُّسُلِ وَ الْأَنْبِيَاءِ

لَمْ يَكُنْ مِنْ أَهْلِ هَذَا الْبَيْتِ وَ هُوَ بَاطِلٌ »

آن دانشی که همراه با آدم علیه السلام فرود آمد، در زمین ماند. و به این ترتیب دانش به دیگران به ارث می رسد. و هر چیزی از علم و آثار رسولان و پیامبران که از اهل بیت (ائمہ علیہم السلام) نباشد، باطل است.

آنگاه در دنباله ی سخن می افزایند:

« وَ أَنْ عَلِيًّا عَالِمٌ هَذِهِ الْأُمَّةِ

وَ أَنَّهُ لَنْ يَمُوتَ مِنَّا عَالِمٌ إِلَّا خَلَفَ مِنْ بَعْدِهِ

مَنْ يَعْلَمُ مِثْلَ عِلْمِهِ أَوْ مَا شَاءَ اللَّهُ »

و علی علیه السلام دانشمند این امت است. و به راستی چنان است که هرگز دانشمندی از ما اهل بیت، از دنیا نمی رود، مگر آن که پس از او کسی که همانند دانش او _ یا آن مقدار که خدا بخواهد _ را می داند، جانشین او می شود. (۱)

۲ _ در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام، همین مضمون با نکاتی افزون تر آمده است:

« علی بن ابی طالب علیه السلام دانشمند این امت بود. علم و دانش آن جناب به امامان دیگر، یک به یک به ارث می رسد. و هیچ یک از ما نیست، جز آن که کسی از فرزندان او را که دانش او را می داند، می بیند. و زمین برای یک روز هم، بدون امامی از

ما خالی نمی ماند. امامی که امت (گرفتاری ها و دشواری ها و نابسامانی ها) به او پناه می برند. «

راوی روایت می گوید: از امام علیه السلام آیا می شود در یک زمان دو امام باشند؟

امام علیه السلام فرمود: نه، نمی شود. مگر آن که یکی از آن دو، صامت و ساکت باشد، تا امام پیشین از دنیا برود. (۱) ۳ _ سخن حضرت علی علیه السلام خطاب به کمیل، حکایت از آن می کند که:

اولاً- علم آن حجّت های الهی، آسمانی و خدایی _ و به عبارت و اصطلاح دینی « لدنی » _ است، یعنی اکتسابی نیست. چنان نبوده که معلمین بشری، طبق روال و شیوه ی معمول به آنها مطالبی آموخته باشند.

آنها دانش دین را یا به واسطه ی پیامبر و یا بی واسطه دریافت کرده اند. و نزد هیچ بشری _ البته جز پیامبر _ دانشی نیاموخته اند.

ثانیا دانش آنها هیچ آمیزه ای از شک و شبهه ندارد. دانش دین و روح یقین با جان و روح آنها آمیخته و همراه شده است. از همین دستور اکید یافته ایم تا معارف دین را از پیشوایان معصوم علیهم السلام بیاموزیم.

۴ _ درباره ی مقام و منزلت علمی ائمه علیهم السلام سخن

بسیار است و آیات فراوانی از قرآن بیانگر دانش خدایی و بی کران آن بزرگواران است که در اینجا به بیان یک آیه در این مورد بسنده می کنیم :

« بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ »

قرآن آیات روشنی است در سینه ی کسانی که به آنها دانش قرآن را داده اند . (۱)

این دارندگان دانش که علم قرآن در سینه ی آنها آیات روشن است ، کسی جز امامان پاک و معصوم نمی باشند که تمامی دانش قرآن نزد آنهاست . (۲)

۵ _ حضرت علی علیه السلام بارها و بارها فرموده است :

« أَيُّهَا النَّاسُ سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي »

فَلَا تَنَا بِطُرُقِ السَّمَاءِ أَعْلَمَ مِنِّي بِطُرُقِ الْأَرْضِ »

هان ای مردم پیش از آن که مرا از دست بدهید ، از من بپرسید .

براستی که من به راه های آسمان آگاه ترم تا به راه های زمینی . (۳)

۶ _ درباره ی همراهی روح یقین با آن بزرگواران ، تذکر این نکته ضروری است که ایمان ائمه علیهم السلام ایمان مستقر و پایدار است . و همچنین حضرت روح القدس پیوسته با آنان می باشد .

۱- عنکبوت / ۴۹

۲- مدرک

۳- مدرک

در این باره پیش از این روایتی را آوردیم که در آن فرموده بود: آنها هیچگاه از روح القدس جدا نمی شوند و روح القدس نیز هرگز از ایشان جدا نمی شود.

درس ده_م:

امیر المؤمنین علیه السلام در پایان سخنان جاودانه ی خود، در وصف حجت‌های خدا می فرماید:

« وَاسْتَلَانُوا مَا اسْتَوْعَرَهُ الْمُتَرْقُونَ

وَ أَنْسُوا بِمَا اسْتَوْحَشَ مِنْهُ الْجَاهِلُونَ

وَ صَحِبُوا الدُّنْيَا بِأَبْدَانٍ أَرْوَاحُهَا مُعَلَّقَةٌ بِالْمَحَلِّ الْأَعْلَى»

استلان الشیء: نرم شمرد آن را، نرم یافت آن را، از کلمه ی لئین به معنای ملایم و نرم، لئینت یعنی نرمخویی.

استوعر: دشوار و سخت شمرد «وعر» یعنی سختی و دشواری.

استوحش: وحشت کرد

جاهل: نادان

صحابوا: همنشینی می کنند. کلمات مصاحبت و صحبت، از این خانواده است.

أبدان: بدن‌ها

أرواح: روح‌ها

معلّقه: تعلق یافته، پیوند خورده، گره خورده

محلّ أعلى: بهشت برین، جایگاه برتر

ترجمه ی عبارت چنین است :

آنچه را که خوش گذرانان و ناز پروردگان ، سخت و ناخوش می شمارند ، در نظر آنان نرم و ملایم است، و به آنچه که نادانان از آن می ترسند و می گریزند ، ایشان انس و الفت یافته اند . و با بدن هایی که به سرای برتر پیوند خورده است ، در این دنیا زندگی می کنند .

در توضیح عبارت ، می گوئیم :

۱ _ آنچه را که ناز پروردگان از آن می هراسند و آن را سخت و دشوار می یابند ، ناخوشی و تنگدستی و فقر و ناداری است . اینها همه ، برای آن حجت های خدا آسان و نرم و راحت است . و آنچه را که افراد نادان از آن وحشت دارند ، علم و دانایی و عبادت خدا و زهد و پرهیزکاری و از این قبیل است . و خلفای خدا با این امور انسی دیرینه دارند .

۲ _ بیان برخی اوصاف علی علیه السلام از زبان خود آن جناب خالی از لطف نمی باشد :

« وَ لَوْ شِئْتُ لَا هَتَدَيْتُ الطَّرِيقَ إِلَى

مُصَفِّي هَذَا الْعَسَلِ

وَ لُبَابِ هَذَا الْقَمَحِ

وَ نَسَائِجِ هَذَا الْقَزِّ »

اگر می خواستم از این عسل ها ، صاف و زلال آن ، و از گندم ها ، مغز سفید آن ، و از این بافته ها ، ابریشم

نرم آن را بر می گزیدم .

از جمله اموری که ناز پروردگان به آن بهای زیادی می دهند ، همین گونه امور است . شکم بارگی و لذت خوردن طعام های خوش خوراک و خوش پوشی و راحت طلبی در لباس و پوشاک .

حضرت علی علیه السلام هم تأکید می فرماید که او نیز می تواند به راحتی و آسانی از اموال و دارایی خود ، نه از بیت المال ، بهترین خوراک و فاخرترین پوشاک را تهیه کند ، اما آن جناب در این باره می فرماید :

« وَلَكِنْ هَيَّاتَ أَنْ يَغْلِبَنِي هَوَايَ »

« وَيُقَوِّدَنِي جَشَعِي إِلَى تَجْبُرِ الْأَطْعَمَةِ »

اما هرگز چنین نخواهد شد که هوای نفس بر من غالب شود و شدت حرص و ولع مرا به گزیدن طعام های لذیذ برانگیزد .

حضرتش در بیان علت این مطلب می فرماید :

« وَ لَعَلَّ بِالْحِجَازِ أَوْ الْيَمَامَةِ مَنْ لَا طَمَعَ لَهُ فِي الْقُرْصِ »

« وَلَا عَهْدَ لَهُ بِالشُّبَعِ »

و چه بسا در حجاز یا در یمامه کسی از رعیت من باشد که از شدت فقر و ناداری طمع در یک قرص نان هم ندارد و هرگز پیمانی با سیری نبسته و پیوسته گرسنه زندگی کرده است .

« أَوْ أَيْتَ مِبْطَانَا وَ حَوْلِي بُطُونٌ غَرَثِي وَ أَكْبَادٌ حَرِي »

یا آن که من سیر و شکم پر سر بر بالین خواب گذارم،

در حالی که در اطراف من شکم های گرسنه و جگرهای تشنه فراوان است ؟

درباره ی تحمل سختی ها و دشواری ها _ همان که نازپروردگان از آن می هراسند _ چنین می فرماید :

« أَلَا ! وَاِنَّ الشَّجَرَةَ الْبَرِّيَّةَ اَصْلَبُ عُدَا

وَالزَّوَاتِعَ الْخَضِرَةَ اَرْقُ جُلُودَا

وَالنَّائِبَاتِ الْعِذِيَّةِ اَقْوَى وَقُودَا

وَ اَبْطَأُ حُمُودَا »

آگاه باشید که درخت بیابانی چوبی بس سخت تر دارد و گیاهان تازه و شاداب پوستی نازک تر . اما گیاهان خود رو که جز آب باران نمی بینند (بر اثر سختی ها) چوبی سوزنده تر و پر شعله تر دارند .

۳ _ در عبارت بعدی ، حضرت علی علیه السلام تأکید می فرماید که آن خلفای الهی هر چند با بدن هایشان در این دنیای خاکی زندگی می کنند ، اما روح بلند و آسمانی آنها با عالم مکלות پیوند خورده است .

اگر بخواهیم درباره ی صفات و کمالاتِ خلفای الهی در همین زمینه سخن بگوییم مجال و مقالی دیگر می طلبد . و اینک فرصت و رخصتی برای این مهم نمی باشد . اما وقتی امیرالمؤمنین علیه السلام درباره ی بندگان برگزیده ی خداوند ، اوصافی بیان می فرماید که جای شگفتی بسیار دارد ، جایگاه و منزلت امامان و حجت های خداوند که بسی برتر و بالاتر است ، تا حدی

روشن می شود.

اگر برخی کلمات پرهیزکاران و یادکنندگان خدا را به بیان امیرالمؤمنین علیه السلام ذکر کنیم رتبه ی والای امامان معصوم
علیهم السلام بیشتر معلوم می گردد .

امام علیه السلام در وصف پرهیزکاران می فرماید :

« وَ لَوْ الْأَجَلُ الَّذِي كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ

لَمْ تَسْتَقِرَّ أَرْوَاحُهُمْ فِي أَجْسَادِهِمْ طَرْفَةَ عَيْنٍ

شَوْقًا إِلَى الثَّوَابِ وَ خَوْفًا مِنَ الْعِقَابِ »

اگر نبود اجل و سرآمدی که خداوند برای عمر و زندگی آنها مقرر فرموده است ، از شوق رسیدن به پاداش خداوندی یا از
ترس عذاب و عقاب الهی ، روح آسمانی آنها در زندان پیکر مادی شان ، حتی به اندازه ی چشم برهم زدنی تاب ماندن نمی
آورد . (۱)

حضرتش درباره ی بندگانی که پیوسته به یاد خدا هستند ، می فرماید :

« فَكَأَنَّمَا قَطَعُوا الدُّنْيَا إِلَى الْآخِرَةِ وَ هُمْ فِيهَا

فَشَاهِدُوا مَا وَرَاءَ ذَلِكَ

فَكَأَنَّمَا اِطَّلَعُوا غُيُوبَ أَهْلِ الْبُرْزَخِ فِي طَوْلِ الْإِقَامَةِ فِيهِ »

گویا که آنها دنیا را پیموده و به آخرت رسیده اند و هم اینکه در آنجا حضور دارند و هر آن چه را که در پس

این دنیاست به چشم می بینند و گویا که بر پنهانی های اهل برزخ در طول اقامتشان در آن عالم آگاهی و اشراف دارند. (۱)

جایی که افراد متقی چنین به عالم ملکوت دل بسته و از دنیای دون گسسته اند، درباره ی « امام المتقین » چه می توان گفت که سمند تیزپای سخن، هیچگاه به مقامات و فضائل حضرتش نمی رسد!

واپسی_ن سخن

عبارت پایانی حضرت علی علیه السلام خطاب به کمیل چنین است:

« اولئك خُلَفَاءُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ الدُّعَاءِ إِلَى دِينِهِ »

آه آه شوقا الی رُویتِهِمْ! انصِرِفْ یا کُمیلُ اِذَا شِئْتَ »

آنان خلیفه ها و جانشینان خدا در زمین

و دعوت کنندگان به دین خدا هستند.

آه آه که چه شوقی به دیدار آنان دارم!

اینک ای کمیل، اگر می خواهی بازگرد و به خانه ات برو. آری، خلفای خدا، از چنان ویژه ای برخوردار هستند که حضرت علی علیه السلام شوق دیدار آنها را دارد.

بارالها! سعادت دیدار آخرین خلیفه ی خود را

ص: ٩١

نصیب ما بفرما !

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

